

سر مقاله

چگونه میتوان انقلاب را به جلوسوق داد؟

امروز دیگر سرکسی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی در آستانه سقوط قرار گرفته است. حتی اپوزسیون - بورژوازی لیبرال نیز که مدتها می‌کوشید از درون حاکمیت و با تکیه انجام باره‌ای رفرمهای بورژوازی مانع سقوط و متلاشی شدن رژیم گردد، امروز بصراحت از سرنگونی اجتناب ناپذیر آن سخن می‌گوید. بورژوازی لیبرال که از "فاجعه" قریب‌الوقوع بهراس افتاده است و هم بقیه در صفحه ۲

سیاست رجائی تشدید فقر و فلاکت است

سرانجام پس از اجرای انتخابات فرمایشی وقلابی ریاست جمهوری، خمینی نیز در یک صحنه نمایشی حکم تنفیذ ریاست جمهوری رجائی را صادر کرد. - نمایش این صحنه مضحک از صفحه رادیو -

تلویزیون، همراه با بدنامیهای مسخره شاه و نوکرانش می‌نماید. صحنه‌ای که خمینی دست خود را دراز کرده و رجائی - بشما به یک انسان مفلوک و بی‌آزاد - بقیه در صفحه ۶

خمینی چه گفت؟
خمینی چه کرد؟
صفحه ۱۵

زلزله کرمان و عوامفریبی های رژیم جمهوری اسلامی

زلزله اخیر کرمان که طی آن هزاران تن از هموطنان زحمتکش ما کشته، زخمی و بی‌خانمان شدند، بار دیگر بیست برانیدو مائستی که زحمتکشان میهن ما با آن رو برو هستند، جنگ، قحطی، گرسنگی، آوارگی، بیگاری، زلزله و ...

شارلاتانهای رژیم جمهوری اسلامی طبق معمول و رویه همیشه خود زلزله اخیر را امری الهی قلمداد کرده‌اند که برای امتحان بنندگان خدا نازل شده است. این اولین بار نیست که رژیم مائستی را که هر لحظه توده‌های مردم با آن رو برو هستند با چنین توجیهات عوامفریبانه‌ای بیان می‌کنند. چرا همواره توده‌های محروم و ستمکش میهن ما با بدبختی تمام این مائست را بی‌دوش بکشند و مورد امتحان قرار گیرند؟ بقیه در صفحه ۱۴

باهمه نیرو و با استفاده از تمام امکانات به دفاع از زمیندگان اسیر در دست دژ خیمان برخیزیم

موجودات دستگیر شده در سراسر ایران تعداد دزندان تیان را به رقم چند هزار رسانده است. تنها ظرف یکماه گذشته هزاران نفر از کارگران، زحمتکشان شهری و روستایی دانش آموزان، دانشجویان، معلمان، کارمندان، استادان دانشگاهها، پرستاران و بهیچراغ و بهیچکاران و پزشکان و ... دستگیر شده‌اند. دستگیر و به زندانهای مختلف گسیل شده‌اند. از این عده تاکنون بیش از دویست نفر از اعضاء و هواداران سازمانهای انقلابی، فدائیان و مجاهدین خلق، پیگاران و ... به جوخه‌های اعدا سپرده شده‌اند. رژیم علاوه بر زندانهای رسمی در شهران و شهرستانها، از زندانهای

کمیتها، از استادیومهای ورزشی، استیلهای و خلاصه هر محلی که بتواند عده‌ای را در آن محبوس کند، استفاده کرده است. طبق اخبار خود رژیم که در روزنامه‌های دولتی منتشر میشود در بعضی شهرهای کوچک تعداد دستگیرشدگان چندین برابر گنجنا پیش زندانهای رسمی و غیر رسمی آنهاست. تراکم زندان تیان دربارها دانشگاهها بقدری زیاده است که دولت تصمیم گرفته بهمانا سبب عید فطر تعداد دزندان تیان را عادی (جانسان، قاچاقچیها، و مجرمین مواد مخدر) را از دکندها جای آنها را با زندان تیان سیاسی برگردد. بقیه در صفحه

در این شماره

- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- اخبار کردستان
- دوشعراز سعید سلطانیور

پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک

رژیم جمهوری اسلامی با سمال آزادیها و حقوق دموکراتیک تیک توده‌ها را روز به روز شدت میبخشد. بیورش اخیر رژیم بیشرقراری یک دیکتاتور لگا مگسخته را بشکلی بلاواسطه در دستور قرار داده است. سرکوب و حبس توده‌های مبارزان کارگری بخون کشیدن نظرها را تا کارگران فریب دیکتاتورهای گسترده کارگران مبارزان اعزای شوراها، کارگری، برقراری جو ارباب و سرکوب، خانه‌گردیها، تفتیش

بدنی در کوچه و خیابان، دستگیریهایی وسیع، ترورهای خیابانی، موجدیوانه و آرا عذاب مبارزین و انقلابیون، بیورش وسیع به دکندها، توفیق تاملی نشریات انقلابی و مترقی، بیورش وسیع به چاپخانه‌ها برای جلوگیری از نشر کتب مترقی، همه و همه وجوه مختلف بیورش است که رژیم جهت برقراری یک دیکتاتوری امپریالیسم پسند آغاز کرده است. بقیه در صفحه ۵

چگونه میتوان انقلاب را بجلو سوق داد

بخیه از صفحه ۱

اکنون این خطر را احساس می‌کند. کسبه هرگاه با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، اساس سیستم و منافع بورژوازی بخاطر افتد، صرفاً بحرف اکتفا نکرده بلکه گامهای عملی و جدی برداشته است تا شاید بتواند از همان آغاز مهر خود را بر میز رویدادها برجای بگذارد و سیل خروشان جنبش نوده ای را علیه سیستم موجود که امروزه در سطح بلکه در عمق در جریان است و بزودی بصورت یک انفجار انقلابی خود را نشان میدهد، بسفیع خود می‌ارزند. هم‌شوا همدولال اقتصاد اجتماعی و سیاسی که ماناکنون مکرر در نوشته‌های خود بیان اشاره کرده‌اند و در اینجا تکرار آنها خودداری نمیکنیم، نشان میدهد که گذشت هر روز با توانی رژیم ایجاد تازه ای بخود می‌کشد و رژیم جمهوری اسلامی مدام بورژوازی و سرنگونی نزدیکتر میگردد. در جنبش شرايطی است که سازمانها، گروهها و شخصيتهايي که هر يك نمايشده و بيا نگر خواستها، تمايلات، گرايشها و منافع طبقاتي گوناگونند، خود را برای در دست گرفتن قدرت و در این زمینه اشتلاف ها و اتحادهاي گوناگون، ریزشنامه‌ای که حول آن وسیع‌ترین نوده‌های ناراضی مردم را بسیج کنند، آماده می‌سازند. بنابر این مسئله‌ای که سازمانها و گروههای م- ل یعنی سازمانها و گروهها، که از منافع و خواستهای پرولتاریای انقلابی ایران دفاع میکنند، با آن - روبرو هستند، اینست که با توجه به سطح رشد، شکل و آگاهی طبقه کارگر و سازمان های م- ل با توجه به توازن نیروهای طبقاتی و خلاصه با توجه به مجموع شرایط حاکم بر جنبش، چگونه میتواند جنبش انقلابی خود را ایفا کند و بر اساس کدام اشتلافها و اتحادها، تاکتیکیها و کدام - خواستها، قادرند جنبش را یک گام بجلو سوق دهند و در جهت تداوم و تکمیل انقلاب گام بردارند.

ماناکنون مکرر بر این مسئله تاکید کرده ایم که در انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک خلقهای ایران که به قیام بهمین ماه و سرنگونی رژیم سلطنتی انجامید از یک سو قدرت اساساً "در دست جناحی از بورژوازی ضد انقلابی قرار گرفت و از - سوی دیگر نوده‌ها دست آورد های انقلابی کسب کردند. از آنجا که قدرت در دست ضد انقلاب قرار گرفت، انقلاب در نیمه راه متوقف ماند و تداوم اقدامات تبعی رژیم در جهت نابود کردن انقلاب صورت گرفت. و در مقابل، فوری ترین وظیفه‌ای که با توجه به خود ویژگی شرایط کنونی و نیمه کاره بودن انقلاب در برابر جنبش انقلابی قرار گرفت، تکمیل انقلاب بوده و هست. این وظیفه در حقیقت تحقق خواست های خلق در یک انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک یعنی تحقق استقلال و قطع وابستگی در وجه مختلف اقتصادی، سیاسی نظامی و فرهنگی ارسک و تحقق خواست های دمکراتیک نوده‌ها، نامیسیسی آزادبها حقوقی، دمکراتیک، علم ارسوی دیگر است. با درک وظایف انقلابی - خواستهای نوده‌های مردم و کراسن عمومی جنبش انقلابی نوده‌ها، وظیفه

نیروهای انقلابی و قبل از همه سازمانها و گروههای م- ل است که با جمعیندی تحریکات گذشته و درس آموزی از چگونگی قدرت رسیدن ضد انقلاب حاکم، تصام تلاش خود را یکا رگیرند و از آنجا که یکا رگیر جنبش انقلابی نوده‌های مردم به سیرا هه کشانده شود و بورژوازی - با استفاده از ضعف سازمانهای انقلابی، رهبری جنبش را در دست خود گیرد. از این رو تا کید بر چند مسئله بویژه از جنبه اشتلافها و اشتلافها با احزاب و جریانات غیر پرولتری از اهمیت ویژه ای برخوردار است. نخستین مسئله در هرگونه رفروم در رژیم جمهوری اسلامی و تاکید بر سرنگونی قهرآمیز این رژیم است. - اکنون این مسئله تا حد زیادی برای بسیاری از نوده‌های مردم روشن شده است که رژیم جمهوری اسلامی از اساس با منافع و خواستهای مردم در تضاد است. این بد ذاتی این بیان فرد، عمل کرده نادرست این بیان ندهد. . . نیست که نوده‌های مردم را به فقر و فلاکت روز - افزونی سوق داده و ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای مردم را از آنها سلب نموده است بلکه کل سیستم اقتصادی - اجتماعی و رژیم سیاسی حاکم است که مانع تحقق خواستهای مردم و ادامه و تکمیل انقلاب است. بنابر این باید هرگونه گرایشاتی که می‌کوشد، بنحوی نوهمانی نسبت به رژیم جمهوری اسلامی اساسی ارگان آن پدید آورد عماره کرد. باید بر این مسئله تاکید نمود که رژیم جمهوری اسلامی نه می‌خواهد نوده‌ها را در جهت منافع خلق گام بردارد، این رژیم اساساً با مصالح و منافع نوده‌ها در تضاد است. بنابر این باید قهرآمیز توسط خلق سرنگون شود. و بجای آن بغوریت یک دولت انقلابی موقت، یعنی دولتی که بیا تکرار از راه خلق و ارگان قیام پیروز می‌ند نوده‌ها است. موقتا "جا یگزین رژیم سرنگون شده‌هاست. بعبارت دیگر حکومت انقلاب موقت یعنی حکومتی که از بن مسازره خلق جوشیده است باید ارگان اقتدار خلق باشد. روشن است که این سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و جایگزینی آن بوسیله یک حکومت انقلابی موقت نمیتواند، جز از طریق خلق انقلابی، و جز بوسائل انقلابی صورت پذیرد. تنها باید سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک دولت انقلابی موقت است که میتواند زمینه برای گشایش مجلس مؤسسان، و اجرای براسا مه حداقل فراهم آید. مجلسی - دموکراتیک و انقلابی که حقیقتاً "موسان باشد و قدرت تاسیس و تشکیل یک نظم جدید را داشته باشد. هرکس که بنحوی از آنجا از سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی ایجاد یک حکومت انقلابی موقت و تشکیل یک مجلس مؤسسان انقلابی و دموکراتیک ظفره رود، هدفی جز ایجاد نوهم در دهس نوده‌های مردم و فریبش خلق دشمنان نمیکند. هیچیک از نوده‌ها و ارگانهای رژیم جمهوری اسلامی، قانونی، سرحقی، مشروع و عادلانه نیست. کسکه در جهت تداوم مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک نوده‌ها گام بر میدارد و در جهت تداوم و

تکمیل انقلاب می‌کوشد، نمیتواند هیچیک از ارگانها و نهاد های رژیم جمهوری اسلامی را مشروع و قانونی بنامد. قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی و تمام ارگانها، نهادها و بطور کلی سیستمی که در این قانون تیلور یافته است ذره ای نه بیابگر خواستهای مردم و نه تا مین کتنده منافع آنهاست. سران جمهوری اسلامی از همان آغاز ابتدائی ترین حقوق نوده‌های مردم را پایمال کردند. دولت موقت نه دولتی انقلابی بلکه اساساً "ضد انقلابی بود. مجلسی که قرار بود بعنوان مجلس مؤسسان پدید آید، نه مجلسی و اقتضا "دمکراتیک و انقلابی، نه مجلسی بیا نگر اراده خلق، بلکه مجلسی کاملاً ارتجاعی بود. مجلس، بنام خیرگان ب مردم تحمیل شد که بهیچوجه این خیرگان "نماینده مردم نبودند. روشن است قانونی که این مجلس نیز بنام قانون اساسی تهیه نمود و در دستنشان ابتدائی ترین حقوق نوده ها را نافی نمود، بهیچوجه نمی‌تواند مورد تایید نوده‌ها باشد. بنابر این تنها مجلس، دولت، و دیگر ارگانها و نهاد های جمهوری اسلامی بلکه ریاست جمهوری آن نیز کاملاً "غیر قانونی است. چه کسی بخود جرات میدهد، مقامی را که بحسب یک قانون اساسی ارتجاعی که بر طبق آن حتی اقلیت های مذهبی از جمله مسلمانان اهل سنت که تعداد آنها در ایران کسب نیست، از حق انتخاب شدن محروم اند، قانونی بنامد. تمام ارگان این رژیم باید برچیده شود و چیزی قانونی و برحق در آن وجود ندارد. سرپای رژیم جمهوری اسلامی، ارتجاعی، ضد خلقی و غیر قانونی است. این حکومت بطور کلی بیا نگر اراده خلق نمی‌باشد. تنها کسانیکه میتوانند از خلق، منافع نوده‌ها و ادامه و تکمیل انقلاب سخن گویند، که نه تنها سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی موقت که ارگان قیام پیروز می‌ند نوده‌هاست را بپذیرند بلکه بیا ایجاد یک مجلس مؤسسان دمکراتیک و انقلابی نیز معتقد باشند. مجلسی که حقیقتاً "خلقی، یعنی بیا نگر حاکمیت خلق باشد و قدرت تاسیس کاملاً داشته باشد و توریته و قدرت تشکیل یک نظم جدید را داشته باشد تا تبدیل به مجلسی نظیر مجلس فرانکفورت که در آن قدرت واقعی در دست خود گامها، و قدرت ظاهری در دست مجلس بود و بیا نظیر مجلس خیرگان کذائی نشود. این مجلس، مجلسی است که از طریق حکومت انقلابی موقت، براسا فراهم آورد زمینه آزادی کامل تبلیغ و انتخابات و با فراهم آوردن زمینه‌های کاملاً مناسب و انتخابات با رای عمومی، برابر، مستقیم و مخفی تشکیل خواهد شد. تنها بیا پذیرش این سه محور است که هرگونه برنامها حد اقلی که بیا نگر خواستهای نوده‌های مردم باشد، پشتوانه، مادی اجرائی خود را پیدا میکند. در غیر این صورت جامع ترین برنامها بر روی کاغذ باقی خواهد ماند. تنها بیا پذیرش این سه محور است که میتوان با توجه به توازن نیروها، نقش سازمانهای انقلابی و فقدان رهبری پرولتاریا سر جنبش، برنامها حد اقلی که بتواند، مسان - اشتلافها و اتحادبها نیروهای غیر پرولتری قرار گیرد سخنی بمیان آورد. بنابر این اساس میتوان انقلاب را بجلو

استقلال - کار - مسکن - آزادی

مزدوران رژیم در چهرم، یک فدائی را ترور کردند

سفل ازخروش - نشریه هواداران سازمان
در شیراز - شماره ۲

در جریان بیورش فاشیت های حزبی
در چهرم، هشت تن از انقلابیون با فحیح -
ترین وضع به شهادت رسیدند و دهها انقلابی
دیگر دستگیر و روانه سباجال های رژیم
شدند. رفیق عبدالعظیم سرعنی نیز یکی
از این مبارزان و عاشقان راه رها نشی
خلق بود.

رفیق عظیم در سال ۱۳۲۲ در چهرم متولد
شد. او بعنوان یک عنصر آگاه نقش
مؤثری در سازماندهی تظاهرات سالهای
۵۷ - ۵۶ مردم چهرم داشت و در قیام بهمین
نیز فعالانه در تشخیر پادگانها و یاسگاههای
رژیم بیهلوی شرکت داشت و یکبار نیز مورد
امانت گلوله قرار گرفت. او بعد از قیام
در کمپته های چهرم به پاسداری از دستاورد
- های قیام پرداخت اما با شروع حمله
رژیم به کردستان، از کمپته کناره گیری
کرد و بعد از آن که مارکسیسم - لنینیسم
را بعنوان راه نجات کارگران و زمینگان
شناخت، تمام توان خود را در راه رواج علم
رها شرطی که کارگر به خدمت گرفت و همراه
سازمان در راه مبارزه گام میزد. سرانجام
روز هشتم تیر ماه در بیورش مزدوران رژیم
به نیروهای مترقی چهرم، دستگیر شد. در
آن روز دو بار او را به بازجویی بردند و رها
کردند، بار دوم وقتی از کمپته خارج شد
ابتدا بسوی شایک گردن دوسیس با ضربات
چاقو او را از پای در آورده و تیرا شرمین
ضربات، رفیق عظیم به شهادت رسید.
یادش گرامی باد.

اعدام ناجوانمردانه انقلابیون، نشانه وحشت و زبونی حزب حاکم

رفقای هوادار سازمان در شیراز، در
ویژه نامه خبری خود که با اوچ گرفتن ترور
و سرکوب رژیم در تیرماه منتشر شده است،
ضمن برشمردن جنایات رژیم جمهوری -
اسلامی و اعدام انقلابیون مینویسند:
بدنبال موج ترور، سرکوب و اختناق
رژیم ضد خلقی حاکم بر هرجاسانی جهت
ادامه حیات تنگنیش متوسل شده و در همین
رابطه ضمن بخون کشیدن تظاهرات توده ها
بهترین فرزندان خلق را با همان برچسب
- های محمد رضا شاه و یاسوش بظا هر
اسلامی از قبیل "افشاگر" و "مخرب با
خدا" به جوخه های اعدام می سپرد. اعدام -
های اخیر نیز نمونه دیگری از این جنایات
هولناک را به نمایش می گذارد. اعدام -
ناجوانمردانه انقلابیونی چون فرنوش -
نفسه در صفحه ۲

مبارزه پیروزانه کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران

کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران
مدتهای زیادی بود که بخاطر افزایش
روزهای استراحت مبارزه میکردند. آنها
طرحی به وزارت نفت پیشنهاد کرده بودند
که مطابق آن یک هفته کار و یک هفته
استراحت داشتند. این طرح که به طرح
۷-۷ معروف است از سوی مقامات مسئول
وزارت نفت مورد قبول واقع نمیشد. بنا
اینکه کارکنان شرکت تصمیم گرفتند یک
هفته کار و یک هفته استراحت را خود بموقع
اجرا کنند، با این ترتیب آنها مدتهای
مطابق برنامه مذکور کار کردند، با لاجبار
مسئولین وزارت نفت به این خواست
کارکنان رسیدگی کرد، و بدین ترتیب که
برنامه دو هفته کار و دو هفته استراحت به
اجرا درآمد. از آنجا که کارکنان این
شرکت اکثرا "در جزایر دور دست" مشغول
لاوان، خارک، سیری و دیگر نقاط مشغول
کار بودند عرضی یک هفته استراحت نسبی
از وقت خود را باید در راه بازگشت از -
جزیره یا مراجعت به آن صرف کنند. بسا
اجرای طرح دو هفته کار و دو هفته استراحت
موافقت کردند. اما مسئولین وزارت -
نفت رژیم جمهوری اسلامی بدلیل
ورشکستگی اقتصادی و انگیزه های ضد
کارگری خود نسبی از حقوق هفته دوم -
استراحت کارکنان را از آنها ربوده اند.
آنها ضعف و زبونی خود را در برابر کارگران
و مبارزانها در عین حال ورشکستگی
و درماندگی خود را در اوضاع کنونی به
خوبی در بند ۸۹ هفدهمین جلسه هیات -

جنبش کارگری



مدیره شرکت بشرح زیر بیان داشته اند:
"علت شرایط جنگی و آواره بودن -
خانواده های اکثر کارکنان و رگسود
فعالیت در واحی، مقرر شد که حقوق -
کارکنان در مناطق براساس دو هفته کار
در مناطق و دو هفته استراحت که هفته دوم
استراحت فقط حقوق پایه و فوق العاده
جنوب (۲۵٪) محاسبه گردیده، و در یافت
نمایند.
اما هما نظر که مبارزه بیکبر، مصمم و
مستقیم کارکنان، وزارت نفت را در برابر
کارکنان بزا نودرا آورد و مجبور به
پذیرش هفته های استراحت را بر هفته
- های کارگزارانید، مبارزه کارکنان
بخاطر دست یابی به حقوق ربوده شده آنها
نیز با موفقیت و پیروزی روبرو خواهد
شد."

مدیریت دست از کار رکنشده و اعتصاب
نمودند. مدیریت ضد کارگران این اقدام
انقلابی کارگران بوحشت افتاد. مدیر
بقسیت رفته و ابتدایی نمود کارگران
را با تهدید به کار با زگردا ندلیک
مقاومت کارگران باعث شد که مدیریت
عقب نشینی نموده و از موضع ضعف از -
کارگران خواست به کار برگردند. آنروز
اعتصاب تا هنگام تعطیل کارخانه ادامه
یافت لیکن روز چهارشنبه کارگران به
کار بازگشتند. این اعتصاب بدون اعلام
رسمی پایان یافت و این بدلیل متشکل
نبودن کارگران، عدم پیوند مبارزه -
کارگران با سایر قسمت ها، نداشتن
خواست مشخص و محدود، خود بخودی بودن
و... بوده است. نتیجه اعتصاب این بود
که اولاً مدیریت از انتقال تعدادی از
کارگران این شعبه به قسمت های دیگر
خودداری نمود و ثانیاً "سرروی روحیه
کارگران تا شیرمیشی داشت. کارگران
در جریان مبارزاتشان در می یابند که
اتحاد و متشکل آگاهانه تنها راه بهبود
زندگیشان میباشد.

کارخانه مکانیک

کارخانه مکانیک (قورخانه سابق)
یکی از کارخانجات وابسته به صنایع
دفاع است که وسایلی از قبیل بیل، -
قیمتیه، فاسوخه، کمربند و... برای ارتش
تولید می نماید. حدود هزار نفر کارگر در
این کارخانه مشغول بکارند. بعد از -
بیورش حزب جمهوری اسلامی به دستاوردهای
مبارزاتی توده ها، در این کارخانه نیز
مدیریت با همدستی و همکاری اخص
اسلامی بر فساد خود فروزه و با حاکم
نمودن جو پلیسی شدت کار را افزایش
دادند. آنها حتی تعطیلی پنجشنبه را
افزافه کاری اجباری گذاشتند و همه
کارگران را مکلف نمودند روزهای پنج
- شنبه به اضافه کاری بپردازند و این
در حالی است که در روزهای آخر هفته
بدلیل شدت کار، کارگران رمقی در بدن
ندارند.

روز سه شنبه ۳۰ تیرماه کارگران شعبه
افزای سازی، بدلیل فشارهای بیش از حد

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

رژیم جمهوری اسلامی حتی از اجساد بیجان انقلابیون هم وحشت دارد

در تاریخ ۲۸ تیرماه آرا مگاه رفیق شهید سعید سلطانیورنیش قمبر شد و حشد بیجان رفیق بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به گورستان دیگری منتقل گردید.

این جنایت آنقدر هولناک است که شایده تصورشان هم دشوار باشد ما این واقعت نشان میدهد که وحشت رژیم از اجساد شهیدان نیز کمتر از خود انقلابیون نیست.

اگر امروز رژیم تحت عنوان "لامذهب" به نیش قبرا انقلابیون دست میزند این امر صرفاً "یوش ظاهری مسئله است و هدف اصلی رژیم دورنگهداشتن آرا مگاه آنان از چشمان مردم است و این برنا مه را در مورد کلیه انقلابیون در نظر دارد. چندی پیش نیز او با نشان رژیم و مزدوران حرفه - ایش سنگ مزار شهیدای فدائی و مجاهد و دیگر انقلابیون را که سالهای سیاه - دیکتاتوری، مبارزه ای تپای جان را به پیش بردند در هم شکست.

اما خلق قهرمان ما همچنان که در رژیم جنایتکارانه شان دادند انقلابیون را در قلبهای طینه خود که ما لامل از عشق به فرزندان انقلابیشان است جای میدهند و بیشت زهارا برای دفن مزدوران و جیره خواران رژیم با قسی میگذازند. حال رژیم هر کجا که میخواهد فرزندان را مدفون سازد و تحت هر عنوانی که میخواهد جنایت کند - سندان جنایت که در زیر چپ - میرسد تا ما احمد پورجانی مدبر مسئول بیشت زهارا به دادستان انقلاب است و تقاضای جایگاهی اجساد چند انقلابی و مبارز دیگر را نیز نموده است.

بمب گذاری در معابر عمومی کار خود رژیم است

دشمنان خلق و ارگانهای سرکوب رژیم ضد خلقی است و این مسئله در صحبت مردم نیز منعکس است مثلاً "هنگامیکه بمب موتی خیابان ناصرخسرو کشف شد این زرمه گلگارا خودشان است" بوضوح بگوش میرسید.

ماضن محکوم کردن این اعمال جنایتکارانه رژیم، متذکر میشویم که اینگونه اعمال نه تنها نمیتواند مردم آگاه و میا زما را بفریبید بلکه تنها ماهیت اعمال و رفتار رژیم ضد خلقی و ارتجاعی جمهوری اسلامی را بنمایان میکند.

بدنبال عملیات قهرمانانه انقلابیون بر علیه سرکوبگران و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، رژیم دست به حرکات مذبحانه ای زده است تا ماهیت عملیات فوق را لوث کرده و مردم را بر علیه انقلابیون بسیج نماید، و آن به بمب گذاری در نقاط عبور و مرور مردم میباید لاضمی بمی که در میدان انقلاب منفجر شد از جمله این موارد است. اما مردم با تجربه هائی که از مبارزات انقلابیون علیه رژیم شاه و نوع عملیات آنها دارند بدستی میدانند که فرزندان انقلابیشان هیچگاه دست به عملی نمیزنند که منجر به آسیب رساندن به آنان شود. هدف عملیات تیروهای انقلابی

زلزله گرمان

بقیه از صفحه ۱

اگر بجای خانه های خشت و گلی و مخروبه مسکن مناسب و امکانات لازم در اختیار این زحمتکشان قرار داشت اینهمه کشته و زخمی و بی خانمان می شدند؟ چرا امتحان الهی شامل حال سرمایه داران، تجار و کاخ نشینانی که خانه های مقاوم در مقابل زلزله دارند، نمی شود؟ مسئول اینهمه فاجیع کسی جز رژیمهای سرمایه داری، از جمله رژیم جمهوری اسلامی نیست. این رژیم پس از گذشت نزدیک به سه سال برای این کوخ نشینان چه کرده است؟ اقدام ممکن مناسب و امکانات رفاهی را در اختیار آنها قرار داده است؟ این رژیم بعضی اینک در فکر توده های

مردم باشد، مدام در پی جاه طلبیهای خود بوده است. نزدیک به یکسال است که بیگ جنگ ارتجاعی آدامه میدهد، میلیاردها دلار صرف هزینه های این جنگ کرده و پول هنگفتی را بحیث سرمایه داران سرازیر نموده است، اما در عوض توده وسیعی از مردم بر او راه و بسی خانمان کرده است. امروز هم که در آرزوی زلزله سرباز زحمتکشان بر سر آنها خراب شده است، دست به گدائی برداشته و در حالیکه میلیاردها شروت مردم را تازاج کرده و بسا بودی کشانده است از مردم میخواهد که زلزله زدگان کمک کنند. این است ماهیت رژیمی که عوام فریبانه دم از جنایت "مستضعفین" میزند. اما در عمل هزاران بدبختی برای آنها با رمان آورده است.

اعدام ناجوانمردانه انقلابیون

در همین ویژه نامه رفقای شیرازی - ایجا دجوارعاب و وحشت در جهرم اشاره کرده اند و در رابطه با اعدام دوتن از هواداران مجاهدین خلق نوشته اند:

مجاهد شهید حمید غفوری روزنهم تیر ماه در خیابان مصدق مورد حمله مزدوران قرار میگیرد. مردم بیکرمجروح او را به بیمارستان میبرند اما پاسداران سرمایه او را دست پزشکان بیرون آورده و به بیابان میبرند و پس از چند ساعت شکنجه با شلیک گلوله او را شهید میکنند.

خبر دیگری حاکی از اعدام مجاهد مهید مقدسی است. خروش می نویسد: روز - سیزدهم تیرماه رادیو جهرم اعلام کرد که یکی از عاملان درگیریهای اخیر تیرباران شد جریان بدین قرار بوده است که ده روز پیش از این تاریخ در یک درگیری که بهیسن حزب الهی ها و مهید مقدسی و دیگر هم روزنهمها محمد حکیمی نیز شهید شده و مهید مجروح و به بیمارستان منتقل میشود. مزدوران جمهوری اسلامی، پس از ده روز، او را در حالت اغما، از بیمارستان خارج کرده و بعد از اینکه در پیدا دگه خود به اعدام محکومش میکنند و او را بیهوش و مجروح به جوخه اعدام می سپارند.

بقیه از صفحه ۲

و کیلی زاده، مسعوده بزرگی، پرویسز - عباسی و حسن ولی پور خود بی تگرا و ج - درماتدگی و گندیگی رژیم حاکم است - اعمال وحشیانه خون آشامان بحدی است که روی جلادان تاریخ را سفید کرده اند. بطور نمونه اعدام جنایتکارانه مجاهد شهید مسعوده بزرگی که چندی قبل توسط پاسداران سرمایه با ضرب گلوله زخمی و دستگیر گردیده و در تاریخ ۴/۱۶ - ۶۰ در حالی که بیعت جراحات ناشی از ضرب گلوله توان ایستادن نداشت و بطور خوانیده تیرباران گردید، نمونه ایگونه اعمال ضد انسانی است. ولی چه باک که اینگونه اعدامها پیش از آنکه بتوانند حرکت اعتراضی توده ها را خاموش سازد به شعله ورت شدن آن می افزاید. سردمداران کودن و جنایتکار حاکم نمیدانند که با اعدام هر انقلابی عزم توده ها استوارتر گردیده و سرانجام خلق انتقام خون شهدای خود را از این جنایت پیشگان خواهند گرفت و دیگری نخواهد پای شهید که رژیم حاکم همچون رژیم شاه جلاد توسط خلق قهرمان ایران به زیاله دانی تاریخ سپرده خواهد شد.

درود بر شهدای بخون خفته خلق سنگ و نغمه سرت بر سر کوبگران خلق

تاریخ: ۱۳
شماره: ۱۲۱
پوسته: ۴
سازمان چریکهای فدائی ایران
مقام: تهران

رد استان معزم تهران

چون برای نامه شماره (۱/۱۲۱۸۰/۱۳۶۰) ۶۰/۹/۹۲
و ۳۰/۱۲۱۸۰/۱۳۶۰ که فکس آنها شمسه است بفرماید که افراد زیر، خود جمهوری اسلامی است و در تهران ساکنند.

نام: گلشن، نام خانوادگی: سعید سلطانپور، مذهب: شیعه، سن: ۲۸ ساله، محل سکونت: تهران، خیابان: ...
نام: سعید، نام خانوادگی: ...
نام: ...

معمول فریاد تاجران برقرارات اعدام مسعود

احمد پورجانی
مدیرعامل سازمان چریکهای فدائی

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک

بقیه از صفحه ۱

بر اثر اعمال این سیاستهای سر-
کوبگرانه و بیرزمینه بحران اقتصادی -
حاکم توده های خلق بسرعتی روز افزون
به رودرویی با رژیم سرخوآهندخواست .
در این شرایط مبارزات دموکراتیک
توده ها اوجی نوین میابد و گسب آزادی-
های سیاسی به حلقه اصلی این مبارزات
بدل گشته است . شعارهای دموکراتیک
زمینه تبلیغی وسیعی یافته است و یک
بگ نموده ای موجود در سطح جامعه حصر و
ولع توده ها در بدست آوردن اعلامیه و
نشریات گروهها و سازمانها ، تنها بسط
شدید مردم به کسب اخبار و توجه وسیع آنان
به اخبار مبارزاتی ، سرعت گسترش شایعات
و خبرها ، روی آوردی وسیع مردم به را دیو-
های خارجی و ... همه و همه بیانگر بسط و
وسیع گرایش توده ها به آزادیهای سیاسی
است . اما در این شرایط هنوز نیروهای
موجود در جنبش خلق نتوانسته اند به
درستی تمامی توان خود را در خدمت
تحقق این خواست به حق توده ها قرار -
دهند ، گروهها و سازمانها ، هنوز درک درستی
از مبارزات دموکراتیک ، از لزوم آزادی
های دموکراتیک و نقش آن در شکل -
پرولتاریا و خلق نادرند و با حد اقل می
توان گفت چنین درکی را در سطح جنبش
ارائه ندادند . این ضعف بخصوصی در
رابطه با سازمانها و گروههای کمونیستی
از سوسیالیستی است جهت بکار بردن تمامی
توان موجود در جهت ارتقاء و سازماندهی
مبارزات توده ها و از سوی دیگر بستن
مناسباتی است جهت تبلیغات زهر آکین
اپورتونیستیهای راست ، رفرمیستها که
تمامی توان خود را در خدمت رژیم ضد
خلق قرار داده اند ، جهت مداحی سیاست
های سرکوبگرانه او و جهت توجیه کشتار
ها و ترورهای رژیم جمهوری اسلامی هرگونه
مبارزه جهت گسب آزادیهای سیاسی را در
خدمت امپریالیسم قلمداد میکنند .

رفرمیستها میکوشند مبارزات دموکراتیک
توده ها و مبارزات دموکراتیک سازمان
ها و نیروهای انقلابی را با شعارهای
پوچ و آزادیخواهی دروغین بختیارها
یکی جلوه دهند و بدین طریق رژیم را در
سرکوب و مهار مبارزات دموکراتیک خلق
با ری رسانند . از سوی دیگر هرگونه گسب
بهاه دادن به این وجه از مبارزه و هرگونه
کوتاهی در امر سازماندهی و پیشبرد آن ،
امکان به انحراف گشایند شدن جنبش
دموکراتیک و بدست گیری رهبری آن -
توسط نیروهای ناپیکیر و سازشکار و حتی
سوار شدن لیبرالها بر موج مبارزات توده
ها را افزایش میدهد .

از این روست که بیش از پیش لزوم -
حرکت جهت ارائه تحلیلی صحیح و روشن از
نقش و اهمیت مبارزات دموکراتیک و
وظایف پرولتاریا و نیروهای کمونیستی
در قبال آن احساس میگردد . مقلاتسی
که تحت عنوان "پرولتاریا و آزادیهای
دموکراتیک" تهیه شده است کوشش است
جهت آغاز این حرکت تا بتوان با دادن
زند مبارزه بدین لوزیک بر سر این مساله
(که اینک از مسائل مبرم جنبش ماست) به

زدودن نقطه نظرهای انحرافی و تدوین
تحلیل جامع ، منسجم و حتی الامکان -
واحدهی در سطح جنبش انقلابی دست یافت .

دموکراسی بورژوازی ، دموکراسی پرولتری

در جوامع طبقاتی همواره بر اساس
تفادلتی ناپذیر موجود بین طبقات -
متخاصم هیچ یک از این طبقات قادر نیستند
بدون بکارگیری یک ارگان سرکوب -
سیادت خود را بر سایر طبقات اعمال
نمایند . این نیاز به سرکوب علت وجودی
دولت در این جوامع را بیان میکنند .
دولت ارگان سرکوب و اعمال قسدرت
طبقاتی است ، دولت نیرویی جرابی است
که سیادت طبقه ای را بر طبقه دیگر اعمال
میکند . طبق نظریه رکی دولت ارگان -
سیادت طبقاتی ، ارگان استمگری یک طبقه
بر طبقه دیگر و جاکم از ایجاد "نظمی" است
که این استمگری را با تعدیل تصادمات -
طبقاتی ، قانونی و استوار میسازد " (لنی)
دولت و انقلاب بخوبی روشن است تا زمانی
که جامعه به طبقات تقسیم نگردد ، و تا زمانی که
طبقه ای بر طبقه دیگر اعمال سیادت مینماید
که این خود در جنبش جوامع الرابری
است - هیچگاه نمیتوان سخن از برابری
همگانی ، آزادی همه افراد ، تساوی جنسای
و ... برآورد . هیچگاه نمیتوان از برابری
استمگروستمنش استمگراکننده و استمگرا
شونده صحبت کرد " دموکراسی بطور کلی
"دموکراسی ناب" که یعنی آزادی و
برابری همگانی بی معنی است ، دموکراسی
نیز مانند سایر مفاهیم و مفولات اجتماعی
همواره مفهومی طبقاتی دارد . وجود -
دموکراسی بورژوازی هیچگاه به معنی
نفی اعمال سیادت طبقه سرما به دار نیست .
در دموکراتیک ترین جمهوری بورژوازی
نیز دولت دستگاها و ابزاری است برای -
سرکوب و زحمتکشان و برای ایجاد "نظمی"
که استمگری و سیادت بورژوازی را بر
پرولتاریا قانونی و استوار کند .
دموکراسی بورژوازی یعنی آزادی برای
سرما به داران و ثروتمندان ، آزادی جهت
استثما ربیتر ، آزادی جهت مکیدن -
شیره جان کارگران و زحمتکشان ، آزادی
جهت تدوین قوانین ظالمانه کار و
خلاصه آزادی جهت هر چه بیشتر ثروتمند
شدن سرما به داران " سرما به داران -
همواره اصطلاح "آزادی" را به مضمون آزادی
ثروتمند شدن برای ثروتمندان و
آزادی گرسنگی کشیدن تا پای مرگ
برای کارگران بکار برده اند " (لنین)
نرها و گزارش مربوط به دموکراسی -
بورژوازی و دیکتاتور پرولتاریا ()
بورژوازی همواره برای قریب کارگران
و زحمتکشان فریاد آزادی برآوردی سر
سید و حتی دیکتاتورترین حکومتگران
نیز ادعا دارند که در خطه حکومتی آنان
همه آزادی دهند و تمامی افراد نیز در مقابل

قانون برآوردند . شاه جلاد را بخاطر
بیاورد ، یا همین سران رژیم جمهوری -
اسلامی را ببینید که چگونه دستان آلوده
بخونشان را پشت سرپنهان می کنند -
ادعای آزادی و برابری می نمایند .
اما تمامی اینها قریبی بیش نیست .
حتی در دموکراتیک ترین جمهوری های
بورژوازی ، دموکراسی بورژوازی همواره -
دموکراسی محدود ، گوش و دم بریده ، جعلی
و سالوسانه ای باقی می ماند که برای -
توان نگردان در حکم بهشت برین و برابری
استثما روشندگان و شهیدستان در حکم دام
و قریب است " (لنین) - انقلاب پرولتری
و کاتولتیک (مرتد) مثلا در کشورهایی
امپریالیستی بورژوازی ادعا میکنند که
"مطبوعات آزادند ، هر کس از هر قشر ، طبقه
با هر مسلک و عقیده آزاد است نشریه ای -
برای خود داشته باشد و عقاید خود را در
مطبوعات منتشر کند " . اما با وجود این
ظواهر فریبنده و این "برابری همگانی" چه
چیز قرار دارد . تنها در صورت دسترسی به
پول و ثروت است که میتوان از مواهب
این "آزادی مطبوعات" برخوردار شد . تنها
سرما به داران و ثروتمندان هستند که
قادرند صدها هزار دلار هزینه تا سبک
نشریه را بپردازند ، تنها سرما به دارند
که با مالکیت برجها بپردازند ، انبارهای
کاغذ و وسایل حمل و نقل قادرند از این
آزادی مطبوعات سود ببرند . تنها سرما به
دارانند که میتوانند اندر برای تبلیغ عقاید
خود در نشریات با بیت هرتون هزاران -
دلار بپردازند . کارگران و زحمتکشان و
نیروهای مترقی فقط در صورت تحمل
شدیدترین فشارهاست که تا بدینوا
پول لازم جهت تهیه و نشر یک نشریه را فراهم
آورند . آنگاه همه مجرد کویچترین
تعرض جدی علیه سرما به داران میکنند
به شدیدترین وجه سرکوب می شوند . در -
نتیجه روشن است که این "آزادی مطبوعات"
تنها سرما به داران و ثروتمندان را شامل
میگردد . این مساله در تمامی موارد آزادی
های بورژوازی - حتی در کاتولتترین
شکل آن - صادق است . مثلا انتخابات
و شرکت در حکومت کاتولت آزاد است . آنقدر
که رفرمیستها را به صرافت انقلاب از طریق
انتخابات می اندازد ، هر "شهروند عاقل
و بالنی" میتواند کاندیدای ریاست
جمهوری یا وزارت و کاتولت گردد ، اما
عملا این فقط سرما به داران و ثروتمندانند
که میتوانند میلیونها مخارج تبلیغاتی
انتخاباتی را بپردازند ، تنها آنها
هستند که به مطبوعات و رادیو و تلویزیون
دسترسی دارند ، تنها سرما به داران -
قادرند با استفاده از همه ای قدرتی
که در اختیار دارند توسط اعمال نظرسنجی
یا رتی سازی ، رشوه و تقلب و ... در پیش
برده شما بینه مورد نظر خود را انتخاب کنند
کارگران و زحمتکشان تنها آزادند " که
سرکوب کننده خود را برای سه یا شش سال
یکبار انتخاب نمایند (نقل به معنی از
مارکس ، جنگ داخلی فرانسه) و شما می
اینها در دموکراتیک ترین جمهوری های
بورژوازی معنا مییابد و گرنه در رژیمهای
چون رژیم شاه و یا چون جمهوری اسلامی ،
دیکتاتوری بورژوازی آنچنان غریبان
است که تبلیغ آزادی و برابری ، توده ها
مثلا در کاتولت شدن برای ریاست جمهوری
تنها و تنها موجب مضحکه خواهد شد .
در سوسیالیسم دموکراتیک
بورژوازی ، دموکراسی پرولتری قرار دارد

بقیه در صفحه ۱۴

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و ...)

هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم



سیاست رجائی تشدید فقر و فلاکت است

بقیه از صفحه ۱

زاتوزده و دست او را می‌بوسد، چندی از او -
ترین صحنه‌ای بود که نفرت هراتسنان
اندک آگاهی را برمی‌انگیخت. رجائی
در برابر دیدگان همه مردم نشان داد که
او بهمان اندازه هویداها و امثالهم در
دوران رژیم شاه بی‌اراده است. رجائی
که نزدیک به یکسال نخست وزیری خود
در عمل نشان داده است که نه تنها قادر
نیست ذره‌ای از بارفتاری که بردوش -
توده‌های زحمتکش میهن ما بکنند
می‌کند، بلکه مدام جا می‌سند و
اقتصاد را بسوی ورنگستگی فلاکت باری
سوق داده است، اینک در مقام ریاست
جمهوری قرار می‌گیرد. او در شرایطی در
مقام ریاست جمهوری قرار گرفته که
بحران اقتصادی و سیاسی جا معده نهایت
حدت خود رسیده است. رکودی عظیم بر
تولید و صنایع حاکم است. سیستم مالی
و اعتباری از هم گسیخته است. خزانه
دولت تهی و در آستانه ورنگستگی همه
جانبه قرار دارد. چهره مهیب فقر سرا بر
جامعه را فرا گرفته است. بیگاری ابعاد
فاجعه‌آسا بخود گرفته است. کمبود کالاهای
وما یحتاج اولیه مردم و صفهای طولانی
برای بدست آوردن حداقل نیازهای
روزانه نه نهایت خود رسیده است. نارضایتی
توده‌های مردم مدام گسترش یافته است
جنگ ارتجاعی دولتین ایران و عراق
هر روز میلیاردها ریال ثروت ایران
مملکت را می‌بلعد، صدها هزار خانوادگی
زحمتکش و فرزندان آنها قربانی
جاه طلبیهای رژیمهای ارتجاعی ایران
و عراق شده اند. بیخیل خانواده‌ها در گذار
می‌یابند. بحران سیاسی ابعاد تازه‌ای
یافته است. سیاستهای ضد خلقی و ارتجاعی
رژیم، بیک جنگ داخلی را بر مردم تحمیل
کرده است. درس‌سرا بران درگیریهایی
سلسله‌انه و غیر مسلحانه ادامه دارد. و هر
روز گسترده‌تر می‌شود. رژیم جنایتکار حاکم
همه روزه‌ها و مدهاتن از فرزندان -
انقلابی خلق را بزندان می‌اندازد و به
جوخه‌های اعدام می‌پسارد. به دیکتاتوری

دوشعراز:

سعید سلطانپور

کردستان مشت بولادین مقاومت است
کردستان زحمتکش
کردستان زنان زحمتکش
کردستان کاروانده و شیرد
کردستان شکسته، شکست ناپذیر
کردستان گیسوان خون آلود ما دران
کردستان خشم سرخ بران
کردستان دست‌های دل‌داری و انتقام
کردستان بی که پرچم سیده، صلح را
در شفق خونین مقاومت

پیش می‌برد



عریان و تروریسم عنان گسیخته و اختناق
متوسل می‌شود. در یک کلام بحران اقتصادی
و سیاسی مدام زرف تر شده است. در چنین
شرایطی است که رجائی این ابزار بلا را در
حزب جمهوری اسلامی، بعنوان رئیس
جمهوری وارد میدان می‌شود و هما تنگ
پیشینیان خود بر مردم وعده‌های فریبنده
می‌دهد. اما کارنامه‌اش نشانگر این آقای
رئیس جمهور در دوران نخست وزیری اش -
برای توده‌های مردم کمترین شکی باقی
نمی‌گذارد که او در این مقام نیز نه تنها
قادر نیست یک ذره از بار که بردوش -
زحمتکش قرار دهد، بلکه بالعکس
زندگی را بر زحمتکش میهن ما دشوارتر
خواهد کرد. چرا که وظیفه او و شما به عا مل
حزب جمهوری اسلامی، اجرای سید و شرط
سیاستهای حزب یعنی پیشبرد منافع تجار
است که همانا استثمار بیش از پیش خلق
و وابستگی به امپریالیستها، سرکوب و
اختناق و کشتار و دستگیری کارگران و
زحمتکش و نیروهای انقلابی می‌باشد.
حزب همچنان که تاکنون نشان داده
است دشمن واقعی کلبه خلقهای تحت ستم
میهن ما می‌باشد و برای پیشبرد سیاست
های ضد خلقی اش از هیچگونه جنایتی
فروگذار نخواهد کرد. بنا بر این رأی که
توده‌های مردم یک سال تجربه نخست وزیری
او را به شما به مجری بلا را در حزب جمهوری
اسلامی تجربه کرده و پشت سر گذاشته اند
دیگر فریب حیل‌های او را نخواهند خورد.
اگر مردم در عمل سیاستهای فلاکت بار او
را تجربه نکرده بودند، می‌شد گفت که توده‌ها
در انتظار نتایج سیاست او ازین اما مزاده
تازه چه معجزه‌ای ساخته است. اما اکنون
توده‌های مردم بخوبی رجائی، سیاستهای
او و ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را درک
کرده و بیش از پیش پی می‌برند که تنها
باز سرنگونی این رژیم و برپایی حاکمیت
شوراهای کارگران، دهقانان و سایر
اقتدار خلق است که می‌شود اندیشه‌های
بر خلق خود جامعه عمل پوشند.

گزارشی از برگزاری انتخابات فرمایشی دوم مردم آذربایجان

نامه یک هوادار سازمان

روز پنجشنبه اول مرداد از سوی
فرماندهان، اعلام شد که روز جمعه تمام
پرسنل باید سر خدمت آمده باشند، که
این امر موجب اعتراض بعضی از پرسنل
گردید زیرا جمعه زمان استراحت پرسنل
بود. اما منظور فرماندهان پادگان این بود
که پرسنل مذکور برای رأی دادن اجباری
باید حاضر شوند. روز جمعه که تعدادی از
پرسنل به پادگان آمده بودند در حدود -
ساعت ۱۰ صبح رأی گیری آغاز شد. پای
مندوق رأی دورو جانی و چند نفر از اداره
سیاسی ایدئولوژیک پادگان حضور -
داشتند. از سوی فرمانده پادگان زو اداره
سیاسی - ایدئولوژیک دستور رسید مبنی
بر اینکه پرسنلی که شناسنامه ندارند
می‌توانند بدون شناسنامه رأی بدهند.
باین ترتیب افرادی که حضور داشتند به
جای همکاران غایب خود نیز رأی دادند

سپس مسئولین امر ادعا کردند که
رای گیری بنحوا حسن برگزار شد موضوع
دیگر اینکه ورقه‌ای را که برای نوشتن
رای داده می‌شود و ته چک آنرا کلاً "تطبیق
میدادند تا اگر کسی شعاری بنویسد
بیتوانند رأی دهنده را شناسند. اما نکته
جالب اینکه پرسنل حاضر خدمت به ۵۰۰
نفر هم نمی‌رسید اما نتیجه اعلام شده عبارت
بود از ۱۴۰۰ رأی که ۱۳۰۰ نفر بی نام رجائی
در آمد. یعنی سه برابر تعداد حاضر در
پادگان.
این نمونه از یک حوزه انتخابیه به
خوبی ماهیت انتخابات فرمایشی را به
نمایش می‌گذارد و بخوبی نشان میدهد
که رژیم علاوه بر ایجاد رعب و تهدید
به رای سازی قلابی نیز متوسل شده است
تا حاکمیت ضد انقلابی خود را بر توده‌ها
تحمیل کند.

این کردستان است
کردستان ایران است
که چنین در خون می‌درخشد
این آتشها که امروز در بیخ فروخته اند
این آتش‌های تکه تکه شده خون
این آتش‌های شانه و پیشانی و قلب
این آتش‌ها که از بند بند کردستان زیانه
می‌کشند
فا نتوم‌ها را می‌سوزانند
تا تک‌ها را می‌سوزانند
امپریالیسم و عمالش را می‌سوزانند
این آتش‌ها که در بیخ ما دران فریبند
می‌کشند
در مشت کینه، فرزندان فریاد می‌کنند
در پشت خمیده پدران فریاد می‌کنند
و در چشم انداز فرزندان زحمت و شیرد
خورشید آزادی می‌شونند
خورشیدان و کار رولبخنده
و بر پرچم سیده، صلح می‌تابند
پرچمی که در دست خونین مقاومت
در آسمان کردستان بگردش در آمده است

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

باهمه نیرو و با استفاده از تمام امکانات به دفاع از زندگان اسپرد دست در خیمان برخییم

گردد "بود در حالیکه خواست عمومی، در آزادی همه زندانیان سیاسی آنچنان بر قدرت بود که این زمزمه ها خفه شد و شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" تحقق یافت. و اینک با درس گیری از گذشته با بدفاع از هزاران زندانی سیاسی، آزادی آنها و جلوگیری از اعدام های غیر انسانی به اقدامات دسته جمعی در تمام سطوح مبارزه در دست گردید.

استگان زندانیان سیاسی (که قدمتهای اولیه و مهمی در این زمینه است) در هفته های اخیر شروع شده است. این حرکتها و نتیجه حاصله از آن، ولواتک، نشان داده است که این اقدامات کار را زیاده و ورزیم را وادار به عقب نشینی ها می کرده است. از آنجا شکی به این ابتدائی ترین حقوق خانواده های زندانیان سیاسی است که بدفاع از فرزندان خویش اقدام کرده و به هر وسیله ممکن بدفاع از آنها برخیزند. برای این حرکت مادران، خواهران، زنان، شوهران و سایر بستگان زندانیان و اولین حرکتها طبیعی است که معمولاً در این باره انجام میگیرد. اما روشن است که این بستنها بی کافی نیست. باید مسئله دفاع از زندانیان سیاسی بیکی از فعالیت های اساسی سازمانهای سیاسی، سازمان های دموکراتیک و سازمانهای کارگری و شوراهای تبدیل شود. باید توجه داشت که در چند هفته اخیر هزاران تن از صدیق ترین و مبارزترین عناصر مرزمنده را قتل و طیقات مختلف دستگیر شده اند. بنا بر این دفاع و حمایت از این زندانیان و فعالیت برای آزادی آنها میتواند و باید به حرکت عمومی در سطوح مختلف تبدیل شود. هم اکنون در سطح کارخانه ها، چینیس حرکتها شروع انجام گرفته است. در مواردی کارگران برای آزادی رفقای کارگری خود دست با اعتراضات زده اند، طومارهایی تنظیم کرده و مواردی حتی دست باغتشاب کوتاه مدت زده اند. در مواردی دیگر کارگران بصورت دسته جمعی (در یک اجتماع ۱۵۰ نفری) به ملاقات با زندان زندگان که اعضای شورای آنها بوده است رفته اند. همه اینها نشان میدهد که زمینه های مناسبی برای شکل گیری این اعتراضات و تبدیل آن به جنبشی بزرگ فراهم است. اما نکته ای که در حال حاضر مسئله ای در حرکت های اعتراضی در حمایت از زندانیان سیاسی است تا مشخص بودن تشش ارگان های مختلف سرکوب در رابطه با زندانیان سیاسی و اعتراضات دسته جمعی برای بسیاری از مردم می باشد. هر چند همه مسئولین مملکتی از شورایی عالی قضائی گرفته تا مجلس شورا، هیئت دولت، رئیس جمهور، کمیته ها، و دادگاههای انقلاب و حکام شرع که همه در این جایات سهمند و دست همه شان تا مرفق سخن جوانان مبارز و انقلابی آلوده است اما برای آنکه فعالیتهای دفاع از زندانیان سیاسی موثرتر انجام خود لازمست که در حرکتها اعتراضی به نقش و اهمیت هر ارگان توجه کرد. از نظر قانونی مسئولیت مستقیم تمام اعتراضات، ادبیت و آزارها، شکنجه ها و اعدامها، همه با شورا عالی قضائی است. تمام اعدامها در تهران و شهرستانها باید با تأیید شورا عالی قضائی به مرحله اجرا در آید. مطابق ماده واحده ای که اخیراً از مجلس گذشت تمام اعدامها و اعدامهای

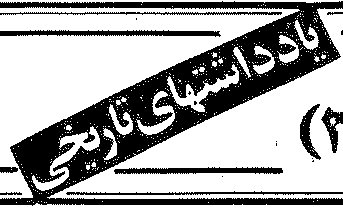
مردم حق شناس ایران چهار رزش والائی - برای این فرزندان مبارز و از جان گذشته خویش قائل بیون دیدیم که چگونه بدفاع یکبار چهره از این قهرمانان برخاستند و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به جنبش همگانی مردم ایران تبدیل شد و شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به شعار عام مردم بدل گردید. مردم ایران هرگز روزهای پرشکوه از یاد کردن فرزندان دلاور خویش را که سالها در سبزه میدان دند فراموش نمیکنند، زندانیان سیاسی که سالها از روشنگرهای آریا مهنری را تحمل کرده و به میثاق خلق وفادار ماندند. روزها بی که خود طلبه ای برای قیام خونین و حماسه آفرین ۲۱ بهمن و سرنگونی رژیم شاهنشاهی گردید. و امروز با ردیگر مدتها زندان و بازداشتگاه در تهران و شهرستانها مملو از زندانیان سیاسی گردیده است. و اکنون قلوب - ضلوعونها ایرانی و صدها میلیون انسان شرقی خواه جهان بخاطر این مبارزان می طپد و از سرخوش آنها، از آرزو روشنگر ها بی که تا بی روزی میشود و اینکه هر لحظه جان شان در معرض خطرنا بودی است. نگران و مضطرب است. میلیونها مردمی که با این رزمندگان ایران همبستگی کرده و میخواهند بنحوی از انحاء از این مبارزان راه استقلال و آزادی، این فرزندان دلیر خلق و پیشقراولان مبارزات بوده ها دفاع کنند. اما تجربه گذشته نشان داده است که دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزه بخاطر آنان موقعی موثر خواهد بود که سازمان یافته و با برنامه باشد. هر قدر این مبارزه دسته جمعی تر، وسیع تر و همه جا نبه تری باشد ثروت نتیجه اش بیشتر است. به تجربه گذشته نگاه کنیم، عاملی که بیش از هر چیز موجب گشت که دفاع از زندانیان سیاسی به جنبش وسیع تبدیل شود، حرکت همگانی و شونده ای بود که در تمام سطوح نفوذ کرد. این دیگر فقط خانواده های زندانیان سیاسی نبودند که برای آزادی فرزندان شان قیام کردند. دهها هزار دانشجویان، صدها هزار دانش آموز این خواست عمومی را مطرح کردند. دهها، صدیکا و اتحادیه کارگری و کارمندی در قطعنامه های خود آزادی زندانیان سیاسی را عنوان کردند و با عتبات عظیم آنان که پیشتر رژیم را شکست، پشتوانه این خواست بود. مسلماً اگر حرکت میلیونی مردم که منجر به آزادی فرزندان خویش از زندانها شد نبود، چه بسا دولت جمهوری اسلامی که بی از قیام مردم سرکرا آمد این مبارزان را در زندان بکهمیداشت. و قلمی همه فعلیهای سابق اما هم میکرد. چرا که شعار بر قدرت خریدگان بعدی، قبل از قیام: "زندانی مسلمان آزاد باید

رفتار مزدوران جنایتکار رژیم، - پاسداران سرمایه و کمیته جیها و کسارد زندان باید دستگیرندگان و جنبانه و غیر انسانی است. از همان ابتدای دستگیری اذیت و آزار و شکنجه زندانیان شدید - ترین وجهی بعمل می آمد. اغلب اتفاق - می افتد که در خیمان تمام افراد بیستگ خانواده، از کودک خردسال تا مادرویدر کهنسال را یکجا به زندان برده اند و بیس از آن خانه و زندگی افراد دستگیر شده، و مسائل و تومسبل و... آنها را تمام حساب کرده اند. شرایط بازداشتگاهها غیر انسانی و غیر قابل تحمل است. هیچکوت ضابطه و معیاری برای بازداشتگاهها که تنها میتوان آنها را با اردوگاههای فاشیستی هیتلری مقایسه کرد، حکومت نمیکند. در تمام طول بازداشت برای - ارعاب زندانی، چشمهای او بسته است و فقط برای نوشتن متن بازجویی جمها را با زمیکنند. تا مدتها خانواده رزمندگان از زندانی از سرخوش فرزندان خود اطلاع ندارند. در خیمان بست و جنایتکار با آنها سبکبویند فرزندان، زنان و بیبا شوهران شان در کجا نگهداری شده، زندانها با مرده و درجه و صافی بر میبرند. تازه - وقتی هم فهمیدند که بستگان آنها در کجا نگهداری میشوند از دیدن آنها مانعست بعمل آورده و حتی از گرفتن لباس و سایر ما بحتا چریدگی خودداری میکنند. خلاصه اینکه در خیمان رژیم جمهوری اسلامی روی جانین ساواک را سفید کرده اند!! رژیم ددمنش جمهوری اسلامی با توسل به همان حربه های رنگ زده رژیم شاه، - انقلابیون و مبارزان را "خوابکار"، "ضد انقلاب"، مزدور آمریکا، ... (یعنی آنچه سزاوارتر از زنده سردمداران و مزدوران خود است) می نامد. در حالیکه همه میدانند که علت دستگیری و اعدام و رفتار وحشیانه با این فرزندان خلق چیزی نیست جز دفاع آنها از منافع و خواست خلق محروم و زحمتکش ما، بخاطر آنست که این مبارزان برای سرفراری شوراها و واقعی، بهبود زندگی زحمتکشان، دفاع از آزادی و دموکراسی برای خلق و مبارزه با جنایات و دستگیریهای دولت جمهوری - اسلامی که تمام دستاوردهای انقلاب را - با بمال کرده و سلبه فدا انقلابی خود را سلب کرده و خلاصه بخاطر مبارزه با امپریالیسم و ای بیگانه های داخلیس قیام کرده اند. - و از جوانان آگاه و مبارز زمین ما بخاطر تحقق بخشیدن چنین آرمانهایی است که در معرض وحشیانه ترین اعمال دشمنان آزادگشان رژیم قرار گرفته اند. بسیاری از این رزمندگان کسانیهستند که بخاطر دفاع از جنبش آزادیخواهی در زمان شاه در همس ردا آنها، مسیبه رندانان دیگری زندانی بودند. بخاطر دارم که

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



کودتای بی دردسر (۲)



از این رهگذر آنچنان جلب اعتماد کرد که وشوق الدوله و را برای مذاکرات محرمانه و استعفا دفرار دادیه با دکویسه فرستاد. سید در بازگشت روزنامه را به همکاران خود و اگادارد و یکراست وارد عرصه سیاست شد.

انتخابات سید مینا به محلل و مجری کودتا، از این نظر موفق بود که او در سلک اشراف و فئودالها جا نداشت و پس از آن نتوانست مردم را مخاطب قرار دهد، از شب روزجا نیت بود، پس آن نتوانست از مذهب بعثتوانان حربه ای علیه افکار مترقی استفاده کند چنانکه در سه سال اول زمانمداری رضا خان هم که خود از هژوداران شیخ فضل الله نوری بود، مراسم شورا و تکیه و عزاداری جای نظاهرات اجتماع را گرفته بود رضا خان خود سردمدار مراسم بود، سید سابقه طولانی روزنامه نگاری داشت، رجال را میشناخت، پس آن نتوانست با روگردن اسناد و افشاگری با اتهام "خیانت" و "وطن فروری" رجال ناخرسند را از صحنه دور سازد، و با لآخره طرح قرار داد ۱۹۱۹، کم و کیف سیاست انگلیس را میشناخت و آن نتوانست، مجری آن سیاست گردد.

در این دوره تنها انگلیس هانا نبودند که به فکر استفاده از افکار مذهبی برای مقابله با کمونیسم افتادند. قبلا لیان ها در همین زمینه و اتحاد اسلامی خاورمیانه دست بکار شده بودند. قیام شیخ خیا بانی، قیام کوچک خان عضو اتحاد اسلامی، قیام شیخ حسین چاگونا هی (سازار اسلام) و اوزایر خاگان تنگستانی (امیرالاسلام) همه از پشتبانی سفارت آلمان برخوردار بودند اما میدانیم که قیام جنگل (گرچه میزبان کوچک خان تا آخرین دم تسبیح میزد و استخاره میگرد) دزروندگسترش تبدیل به مسئله دهقانی شد و تحت تاثیر انقلاب اکتبر قرار گرفت، و قیام خیا بانی منجر به مقابله با استعمار و استبداد گشت و نام آذربایجان به آراستان تغییر یافت و وسوسه خود مختاری را برانگیخته. از همین رو بود که رجال دولتی بسسه استقبال کودتا رفتند و اشراف و فئودال ها مصرا نه دخالت انگلیس را میطلبیدند. در سوم اسفند کودتا، در یک شب کار را یکسر کرد. صبح روز یکشنبه سید ضیاء الدین و رضا خان خورین مذاکرات را در شاه آباد انجام دادند. قسوا ی انگلیس در کرج مستقر شدند از درگیری قزاق ها شی که از قزوین حرکت میکردند با قوای دولتی جلوگیری کند، در تهران توپها را از کار انداختند، وقتی قزاقها به ینگه ام رسیدند، شاه تاز به خیردار شد و دستور بازگشت را داد. در حدود نیمه شب قزاقها وارد تهران شدند. کلاشتریها را بدون مقاومت اشغال کردند. منتها کلاشتری ۶ مدتی مقاومت کرد، دستگاه شلیک مسلسل ها آغازید. چند توپ هم شلیک شد. بدینسان قزاقها به دولست

بی خبر ابلاغ شد. سید در (رئیس الوزرا) به سفارت انگلیس پناهنده گشت. فردای آن روز بود که شاه از رنگ باقر خان قزاق میبرسید: "شما چرا به تهران آمدید؟" و جواب میشد: "به منظور تقویت حکومت مرکزی". در همان دیدار شاه سید ضیاء الدین را به سمت رئیس الوزرا، و رضا خان را به سمت فرمانده قزاقها با لقب "سردار سیه" منصوب کرد.

دوروز بعد از این بیانیه سردار سیه با عبارت "حکم میکنم" منتشر شد. در اولین بیانیه رضا خان حکومت نظامی تعطیل همه روزنامه ها، ممنوعیت اجتماعات بیش از سه نفر، تعطیل تمام مغازه های شراب فروشی، شش ترها، سینما ها، کلوب ها، قمارخانه ها، اداره ها، و ضرورت تعطیل و اطاعت کارمندانش را اعلان میکرد. همه دریا فتنه که بیانیته املا سید ضیاء الدین است چرا که رضا خان خواندن و نوشتن نمی دانست. همان روز بسیاری از اشراف و رجال دولتی توقیف و دستگیر شدند و حتی هواداران انگلیس نظیر فرمانفرما، مصاد، ه اموال آغاز شد. آزادی خواهان و شاگردان مدرسه سیاسی نیز روانه زندان گشتند. برخی راه سید فرستادند (ملک الشعری بهار)

۸ سفند نخستین بیانیه رئیس الوزرا انتشار یافت. سید ضیاء الدین در عوجه کودتا و در برنا مه آینه دولت جدید میگفت: این مشروطیت به "قیامت گرانها ترین خون فرزندان ایران" خریده شد، لیکن سپاهستاران و قست "از عهده مسئولیت برنیا مدهند، ملت را به وعده آزادی و استقرار قانون" فریفتند، "هرچو مرج" فریفتند تا اصول ملکوک الطوائفی قرون وسطائی را در جهت "انتفا عظمی" حاکم سازند. همه تعین ها به گردن چند مد نظر اشراف و اعیان است که انگار مملکت را به "ارث گرفته اند اینان بودند که خون ملت ما را میکشده و ضجوهی را بلند ساختند و حیات سیاسی واجتماعی وطن را به درجه ای فاسد و شیه نمودند که برای هیچکس هیچ میدیاقی نمائند. اکنون باید مسبین فلاکت و پریشانی ایران را به پس دادن حساب فرا خواند، امروز روز و آژگون شدن و انتقام" فرارسیده است.

قضا و قدر برای دردست گرفتن "مقدرات و سرنوشت" کشور تعیین کرده است. مسن در درجه نخست نه به لیاقت خود، بلکه به "خدا ی بخشنده متعال" اعتماد میکنم. اما برنا مه من چیست؟ باید نخست "عمارات متزلزل" و لرزانی را که "مفتخواران" در آن "شیانه" نهاده اند "سنگون" کرد. باید همه آن "اداراتی" که تا سس آنها فقط برای "اشراف و تئیدیر" بوده است و با قطرات خون بوده ملت ایران تحصیل شده از میان بیرون. باید مملکت خود کفا شود و با "عوا یید داخلی" خود اداره شود و "برای گردش" دوا بر مفتخواران محتاج به قرض از ا حاسب

نگردد. "بهمترین وظیفه من" محو و شهیدان مفتخواری "وسای" امنیت و رفاه" و استفاده کارگران از مشقت خویش" خواهد بود. باید قیمت رحمت و مشقت کارگران و دهقانان سخمیده گشته و دوره فلاکت و بدبختی آنان خاتمه یابد. برای این منظور نخستین گام "تقسیم خالصات" و اراضی دولتی مابین دهقانان وضع قوانینی که زارع را از مالک اریایی بیشتر بهره مند سازد، و معاملات اریا ب با دهقانان تعدیل شود، باید بشیای عدلیه ماکه "مرکز فجاج" است برچیده شود. باید "اخلاق" ما بر اساس "تعلیمات ملیه" باشد.

باید "سختی و کراسی" که بر اشراف و فئودالان حمل و نقل و "احتکار" و زبنت و تحملات سیه بوده است منگوزدد. اما باید قبل از هر چیز "مملکت داری" قشونی گردد که دشمنان خارجی و داخلی را به حساب دعوت نماید. فقط سپاهیان دلیر قادرند حیات هستی مملکت را تا مسن نموده و ترقی و سعادت و اقتدار را فراهم سازند. پس "قشون" از هر چیز و بالاتر از همه قشون، "سختی" اول برای قشون و با هم برای قشون اما سیاست خارجی ما "ارتباط" دوستانه با همه کشورها تا وقتی که "استفاده" نا مشروع از این مناسبات نکنند. سپس باید قزاقها و "متبایزات گذشته" مورد تجدید نظر قرار گیرند. بنا بر همین اصول است که الفیای قزاقها در ایران و انگلیس مورخه "اوت ۱۹۱۹" اعلام میدارم!

همزمان و هم محتوا بیانیته دیگری انتشار یافت. با انشای سید ضیاء و مضای سردار سیه - از جمله میگفت: این قزاق ها به خاطر مردم و امنیت کشور به تهران آمدند: "همین قوه و افراد بودند که بدون لیاقت بدون کفایت بدون غذا، بدون اسلحه کافی سینه و پیکر خود را سپردند. های آشفشان نمودند... مشیت کردگار یی و خواست حضرت خداوندی این فرصت را - برای ما تدارک دید". ما تابع حکومتی هستیم که "بیت المال" مسلمین را وسیله شهوت رانی مفتخواران نکند، حکومتی که "سوار اعظم مسلمین را مرکز شقاوت ها، کانون مظالم و قساوت بنا زد" حکومتی در جهت منافع اقلیتی و "پرا یزینت" و تحمل، باعث "بدبختی" دیگران نباشد، حکومتی که "با زیجه دست ساسیون خارجی نباشد".

در هیچک از این بیانیه ها، سخن از اجرای قانون اساسی نبود. تعطیل وزارت خانه ها، دوا بردولتی و خانه پردی و تفتیش عقاید، برای یافتن اسلحه و دستگیری آزادیخواهان (بدون مجوز - قشونی) لازم برقراری نظم و امنیت نبود.

بدلیل خلا سیاسی حاکم، و فقدان - اتوزیته انقلابی سراسری، و وجود انفعال سیاسی دربخشی از توده های شهری، بیانیته موشرا فتاد. سبیل نامه های سیاسی کسبه و اصناف زهرسوی سرا زیر شد. قول اصلاحات ارضی، دستگیری فئودالهای سرشانی - مصاد در اموال، دفاع از نهی دستان در - برابر شر و متصدان، سرکوب آزادیها، بازداشت آزادیخواهان، تعطیل مطبوعات، سایه افکنند. سید ضیاء "در طی سه ماه زماندار خود را را برای استفسرار چکمه پوشان هموار کرد. اکنون فرا رود ۱۹۱۹ اسطورکا مل اجرا شده بود.



نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا ویانگاه داخلی

۱- درباره پارلمان

موضوع پارلمان و یا رلمان تا ریمز، پاسخ شوریک - تاریخی خود را در - بلشویزم و تحولات تاریخی - جهانی دهی اخیر با زیافته است. همچون دیگر موارد، بلشویزم بر خورد به دو دیدگاه آنحرافتی در این موضوع را برعهده گرفت: نخست دیدگاه راستروانه ای که از طریق پارلمان یورژوئی میتوان به سوسیالیسم دست یافت - پارلمان یورژوئی را نه میثا به نهادی که می باید وسیله نهادی عالیتر، و طبقاتی، یعنی شوراها یا کارگرید هفتانی کناره رود و نه به تبع آن میثا به ابزاری - برای پیش برد انقلاب پرولتری، بلکه همان نهادی عمومی میدهد که بتدریج می باید خود مضمون سوسیالیستی مسمی گرفت. برای اینان ثقل مبارزه حزب - طبقه کارگر در پارلمان نهایی یورژوئی بود، و نبض جنبش طبقه کارگر نیز در چنین پارلمان نهایی میزد و نه در اعصاب و نظا هرات اشغال ها و یا ریکا ده های خیابانی. اینان هنگامی نیز که در پشت کرسی های خطا به پارلمان نهایی یورژوئی قرار میگرفتند، هیچگاه در موضوع انتقاد از خود این نهاد قرار نمیگرفتند، بلکه مثل تمامی حوزه های کارشان که شامل مطبوعاتشان هم میشد، در پارلمان یورژوئی به شیوه دموکراتهای خوده - یورژوئی عمل میکنند (میگردند) که فقط استعدادی عزمی و دودلی دارند و کاملاً به طبقه سرما یه دار وابسته اند. (۱)

در سوسیالیسم دیگر گروهی از انقلابیون قرار داشتند که مخالف جنبش خویشتراپسا دموکراسی و پارلمان یورژوئی و یا پارلمان تا ریمز، تا مخالفت یا استفاده از پارلمان یورژوئی میثا به ابزاری ریدرواستای پیشبردا انقلاب پرولتری و میثا به پلات فرمی برای کارکمونستی می بینند. - اینان با حرکت از این تضاد صولی که "عمر پارلمان تا ریمز یورژوئی بیسر آمده است" چنین نتیجه میگرفتند که از نهاد های یورژوئی و از جمله از - پارلمان تا ریمز - چنان باید دوری گزید که نتکند کفر ایلیس اش آلوده دامن شان کند اینان آنچه را که از لحاظ تاریخی صولی بود (و هست)، در لحظه کشونی "نیز عملی میدیدند (ومی بینند).

در پاسخ اینان، لنینیسم، منجم - ترین مواضع را اتخاذ کرد. نخست: پرولتاریا در یکا رطبقاتی نیاید از بهره بردن از نهاد های یورژوئی و از جمله پارلمان یورژوئی، بهره اشد. دست پس کشیدن از هر چه غیر خودی است، کنتراریسم است و بی. و در تاریخ جنبش کارگری، حتی یک نمونه نمیتوان یافت که جریانی با چنین باوری توانسته باشد، رهبری پیروزمندیک تحول اجتماعی را بکف آورده باشد. آنچه که ما من حراست یک حزب پرولتری از غلظیدن به دست یورژوئی و سرسپاری بر آستان اش است، نه در خود فرورفتن، بلکه داشتن آن چنان مثنی رهبری انقلابی است که آیدیده شده در شیوه های گوناگون مبارزه طبقاتی، نتواند مواضعی اصولی را در قبال مراحل معینی مبارزه طبقاتی اتخاذ کند. چنین رهبری انقلابی نی تنها مبارزه را در کلیت اش نیافته، ظرفیت آنرا نیز خواهد داشت که در هر چرخش رویدا ده ها شعرا را

درباره مجلس مؤسسان

مشخص و تا کتیک های مشخصی را اتخاذ کند بیانی زلنین گویای این مطلب است: "تاریخ عموماً "تاریخ انقلابها خصوصاً "همواره پر مضمون تر، جامع تر، زنده تر و هکارتر از آن است که بهترین احزاب و آگاهترین پیش آهنگ های پیشروترین طبقات می بتدارند. علت آنهم واضح است، زیرا بهترین پیش آهنگ ها، ترجمان شعور و اراده و شعور و تحولات دهها میلیون نفری که حا در ترین مبارزه بین طبقات آنها رابه تکان آورده است، در لحظاتی که کلیتاً استعداد های بشری در حال اعتلا و شدت خاصی است، عملی میسازند. از اینجا دو نتیجه عملی بسیار مهم بدست می آید: نخست آنکه طبقه انقلابی برای اجرای وظیفه خود باید بتواند بدون کوچکترین استثناء بر کلیه شکلها با جهت فعالیت اجتماعی مسلط گردد (و بس) از تصرف قدرت سیاسی آنچه را که قبیل از این تصرف تا تمام گذارده بود با تمام مرساند و در این مورد که همیشه مخاطرات بزرگ هم تن در دهد)، دوم آنکه طبقه انقلابی باید برای تغییر و تبدیل - بسیار سریع و ناگهانی یک شکل به شکل دیگر آماده باشد" (۲)

همانچنین نقش رهبری انقلابی را در بهره گیری از وسایل گوناگون مبارزه و نیز تسلط بر وسایل مبارزه حتی یورژوئی زیدر پیشبردا مرانقلاب پرولتری، این جنبش توضیح میدهد:

"همه کس با این نکته موافق است که ارتشی که خود را برای تسلط بر انواع سلاحها و کلیه وسایل و شیوه ها که دشمن برای مبارزه در دست دارد میسازد، است بدست آورده آاده نکند، رفتارش تا بخردانه و حتی شهبکارانه است. این امر در مورد سیاست بسی بیشتر صادق است تا در امور جنگی. در سیاست خیلی کمتر میتوان از - پیش اطلاع حاصل کرد که در قبال با بهمان شرایط آتی چه وسیله مبارزه برای ما قابل بکار بگردن و مفید خواهد بود. اگر ما بر تمام وسایل مبارزه مسلط نیاشیم و تغییراتی که مستعمل از آرا ده ما در وضع طبقات دیگر روی میدهد، آنچنان شکلی از فعالیت را در دستور روز قرار دهد که ما - بویژه در آن ضعیف هستیم، آن وقت ممکن است به شکستی عظیم - و حتی گاهی قطعی دچار گردیم. ولی در صورت تسلط بودن بر کلیه وسایل مبارزه، چون ما نمیستسده مانع طبقه و اقما "پیشرو و اقما" انقلابی هستیم، حتی گرا و احوال هم بما اجازه ندهد سلاخی را بکار بگیریم پیش از همه - برای دشمن خطرناک و سریع ترا زهمه ضربات مهلک بروی وارد میسازد، بسا ز بقینا "پیروز خواهم شد" (۳)

دوم: "بوردائین به تجربه بلاواسطه توده ها و تشکندن (عزم انقلابی) بجای تجربه مشخص توده ها است که بخشی از جوهر بلشویزم را در بر خورد و وسایل مبارزه از جمله پارلمان تشکیل میدهد. این تنها تبلیغ و ترویج میثا هیک نیست که توده های

پرولتری را (و از جمله اقشار بسیار عقب - مانده آنرا) در برابر سرکوب طبقات حاکم، بمقاومت میسازد، نه، اینان با دیدن عکلی خویش را نیز در یکا رطبقاتی برای کنترار گذاشتن وسیله های از وسایل مبارزه داشته باشند. موضوع استفاده از پارلمان های یورژوئی نیز جدا از این نمیتواند باشد. "توده ها به تجربه عملی نیایز دارند" و تنها از طریق این تجربه عملی است که به ما هیبت واقعی پارلمان تا ریمز یورژوئی پی خواهند برد. و در این رهگذر، تنها کافی نیست که پیشا هیک طبقه کارگر به ما هیبت شیا داشته باشد، بلکه یورولترهای عقب مانده نیز باید در تجربه خویش ما هیبت دغلکارانه پارلمان یورژوئی را با زشتا سندن، می گوئیم دغلکارانه، میگوئیم شیا دانسته - چرا که در سلسله نهاد های یورژوئی، نمی توان نهادی چون پارلمان یافت که یورژوئی در طول تاریخ خود، تا این حد در "غیر طبقاتی" نشان داده باشد، "ما برای طبقاتی" نشان داده باشد، "ملی" نشان داده باشد و در "دموکراتیک" نشان داده باشد، "ما برای" چون پارلمان یورژوئی، در این زمینه، هم سنگ یافت.

توده های پرولتاریا، حتی اقشار بسیار عقب مانده آن، نقش ارتش را، ارتش یورژوئی را، میسازند و بسا دگی نمیکنند، توپ و تفنگ را، میسازند و بسا دگی نمیکنند، رویت است، اختناق آفرینی توسط این نهاد، بخوبی ملموس است. "زردپوشان" را در خیابان ها میسازد، "را میسازد" با "رای مخفی اش" و "رای مستقیم اش" با تریبون و کرسی خطا به اش و با اخلاق یورژوئی اش، چه فریبنده بنظر می آید! و هم از این روزودن توهمات کارگران و زحمتکشان نسبت با بین نهاد، توش و توانی بسزا می طلبد. و تنها در تجربه عملی، زمانی که حتی اقشار عقب مانده پرولتاریا با بهره رایی ها و دغل کارها و دوزکلیک های یورژوئی را دیدند، است، که به "خواندن فاحش بر سر قبر مرحوم" - پارلمان خواهد رفت و به ضرورت سیادت نهادی دموکراتیک تر، طبقه تشر، و از لحاظ تاریخی پیشروتر یعنی شورا های کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهروده، پی خواهند برد. لنین تجربه بلشویک ها را در این زمینه چنین بیان میکند:

"وظیفه شما این است که خود را تا - سطح توده ها، تا سطح قشرهای عقب مانده - طبقه تنزل ندهید. در این امر تردیدی نیست. شما موظفید حقیقت تاخر را بنها بگوئید. شما موظفید خرافات یورژوئی - دموکراتیک و پارلمان طلبانه آنرا سرافراقات بنامید. ولی در عین حال شما موظفید هشیانه مراقب وضع واقعی آگاهی و آما دگی تمام طبقه (نه اینکه تنها پیش آهنگ کمونیستی آن) و تمام توده زحمتکش (نه اینکه تنها افراد پیشرو آن) باشید" (۴)

لنین حتی برای زمان پس از کسب حاکمیت توسط پرولتاریا نیز به زودن توهمات توده ها (عادت آنان)، از طریق تجربه عملی خودشان معتقد بود. پیروزی قیام اکثر هر چند در اولین گام در پسین بسیاری از رهبران حزب کمونیست (بلشویک)

بقیه در صفحه ۱۰

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



درباره مجلس مؤسسان

بقیه از صفحه ۹

روسیه، عمدتاً "پندارهای حقوقی-پروژوایی" را نسبت به نهادها و بورژوازی و از جمله و در تارک آنها مجلس مؤسسان، دگرگون نساخت، اما بودند کسانی که از همان اوان پیروزی انقلاب هرگونه فراخوانی را برای برپائی چنین نهادی، رد می کردند. لنین در این باره می گفت:

"حتی چند هفته قبل از پیروزی جمهوری شوروی و حتی پس از این پیروزی شرکت در برپائی بورژوازی - دموکراتیک نه تنها به پرولتاریائی انقلابی زیانی نمی رساند، بلکه تسهیلاتی هم برای وی فراهم میسازد که بتواند به تدریج توده های عقب مانده را بتدریج متحد کند چرا چنین پارلمان ها می مستحق برانداختند. چنین شرکتی موفقیت در برانداختن این پارلمانها و "کهنه گئی سیاسی" را رساند تا رژیم بورژوازی را تسهیل میکند." (۵)

سوم: با ورود اشتراک با این امر که عصر پارلمانتاریزم بورژوازی بسر آمده است که خود مفهومی از لحاظ تاریخی درست است، این را به بهره گیری از پارلمان بمثابه ابزاری در راستای پیشروانقلاب می کشند. این را از امر بهره گیری از پلاتفرم پارلمان برای کارگرمونیستی، بلاواسطه با ورود اشتراک به پارلمانتاریزم و گذارن سیاست میزبانی سوسیالیسم و این که گویا این گونه بهره گیری از پارلمان بمعنای اعتقاد به دست یابی به سوسیالیسم از طریق نهادهای بورژوازی است را، نتیجه می گرفتند. اعتقاد درست اینان به سوامدگی عصر پارلمانتاریزم بورژوازی، رد عملی نهادها، حقوقی نیز پیش می رفتند آنچنانکه بعدها معلوم شد، حتی تارک داران درون اتحادیه های کارگری نیز پیش رفت، چرا که گویا کارگران در درون چنین نهادی جز "اتلاف وقت" برای پیش آهنگ پرولتاریا، چیزی در بر نداشتند. لنین در پاسخ اینان چنین می گفت:

"پارلمانتاریزم از لحاظ تاریخی "کهنه شده است. این مطلب از نقطه نظر تبلیغات صحیح است. ولی همه کس نمی دانند که از این امر تا غلبه عملی بر آن - هنوز خیلی راه است. سرما به داری را از ده سال پیش از این ممکن بود و با حق کاملی هم ممکن بود از لحاظ تاریخی کهنه شده اعلام نمود، ولی این امر هیچ وجه لزوم با روزه سیاسی رولتاری و سیاسی سخت را برزمینه سرمایه داری مستقیم نمی سازد. اینکه پارلمانتاریزم از لحاظ تاریخی کهنه شده است، بمعنای آنست که پارلمانتاریزم بورژوازی سپری شده است و عصر دیکتاتوری پرولتاریا آغاز گردیده است. در این تردیدی نیست ولی مقیاس جهانی - تاریخی، ده سال را در نظر میگیرد. ده - بیست سال زودتر از نقطه نظر مقیاس تفاهوتی ندارد، و از نظر تاریخ جهانی موضوعاتی چیزی است. و به همین جهت استناد به مقیاس جهانی - تاریخی "در مورد سیاست عملی، فاحش ترین خطای شورویک است." (۶)

۲- انقلاب اکتبر و مجلس مؤسسان

فراخواندن مجلس مؤسسان بمثابه عالیترین بازتاب با شکل دموکراتیک بورژوازی، از بدو تشکیل حزب سوسیال دموکرات کارگری سراسر روسیه، یکی از مفاد برنامه حزب را تشکیل میداد. لنین نیز از سال ۱۹۰۵ به این سوکارا "به فراخوانی مجلس مؤسسان در بریتانیا" به حزب بمثابه یکی از وظایف محوری -

دموکراتیک انقلاب روسیه، در کنار ملی کردن زمین و برقراری ساعات روزانه کار ۸ ساعت، می نگریست.

در فاصله بین دو انقلاب فوریه و اکتبر ۱۹۱۷ بلشویزم پرچم فراخوانی مجلس مؤسسان را همچنان برافراشته نگاهداشت اما درک بلشویک ها از برپائی مجلس مؤسسان نه درکی محصور در چهارچوب - دموکراسی بورژوازی و برخاسته از حقوق بورژوازی و با جدا از مابزره طبقه تاسی و توارن نیروهای طبقه تاسی بود. آنچه موضع بلشویک ها را از موضع منشویک ها و اس - ارهای راست، در بر خورنده مسئله مجلس مؤسسان متمایز میساخت، نخست همانا درک بلشویزم از مجلس مؤسسان هر چند بمثابه عالی ترین شکل دموکراتیک بورژوازی، اما در مقیاس با دموکراسی شورائی، یعنی آنچه که با زتاب برپائی نهادی چون شوراها یا کارگران و زحمتکش است، نهادی عقب مانده را می نمود. بود. هم از این رولشویک ها بحظه ای نیز در - زمینه سازی ایجاد، تقویت و اعمال کمیونی انقلابی پرولتاریا بر شوراها، در تنگ نکردند.

"سوسیال دموکراسی انقلابی، در همان حالیکه خواستار تشکیل مجلس مؤسسان بود، از همان آغاز انقلاب ۱۹۱۷ بکرات خاطر نشان میساخت که جمهوری شوراها، نسبت به جمهوری معمولی - بورژوازی دارای مجلس مؤسسان شکل عالی تری از دموکراتیک است. جمهوری شوراها تنها بندگان کارگران سرپازان و دهقانان برای انتقال از نظام بورژوازی به نظام سوسیالیستی و نیز برای دیکتاتوری پرولتاریا، نه تنها شکلی از نوع عالی تر موسسات - دموکراتیک است (نسبت به جمهوری معمولی بورژوازی) که مجلس مؤسسان بر تارک آن قرار دارد، بلکه یگانگی شکلی است که میتواند انتقال به سوسیالیسم را به بیدارترین نحوی تأمین نماید." (۷)

دومین وجه افتراق بین نظرگساره بلشویزم از یک سو و آنچه که کادتها، اس - ارهای راست و منشویک ها یا ن باور - داشتند، در چگونگی برپائی مجلس مؤسسان بود. اینکه فراخوان مجلس مؤسسان برزمینه سرنگونی نظام بورژوازی و توسط دولت موقت انقلابی و در فازی انتقالی صورت گیرد و سبب تنظیم نوین را داشته باشد و آنچنان اراده توده های انقلابی زحمتکش را با زتاب یا ندکسه برآستی مجلس مؤسسان توده ای "باشد. یا نه، تنها نقش مکمل ارتش و شورویک که راه بردوش گیرد. بلشویزم هر چند هم صدا با کادتها، اس - ارهای راست و منشویک ها فراخوان مجلس مؤسسان را سر میداد - و از این امر منتهی فراسید - اما وجه افتراق نظرگساره خویش را در این مورد بر روشنی بیان مینمود:

"این حزب دموکراتیک (لیبرال) از حامییت مردمی می فرساید، در حالیکه شعرا ما معنی مجلس مؤسسان توده ای را تکرار می کند، در حقیقت معنی و مفهوم آنرا یکسره دگرگون میسازد و با استفاده، به درست ترین استفاده از این شعار، مردم را به بیراهه می کشد. مجلس مؤسسان توده ای چیست؟ - مجلسی است که در وهله اول، برآستی اراده مردم را بیان میکند. بدین منظور، وجود حق رای همگانی در کلیه جوانب دموکراتیک و ششمین گام از راهی مبارزه انتخابی است

لازم است. در وهله دوم بین مجلس در بریتانیا گذاردن یک نظام سیاسی که حاکمیت مردم را تأمین کند، برآستی دارای قدرت و اختیارات چون روز روشن است که بدون - این دو شرط، مجلس مؤسسان نه واقعاً - توده ای و نه در حقیقت مؤسسان میتواند باشد.

تاریخاً طعنه ها بتا می کنند که انتخابات آزاد نمیتواند وجود داشته باشد، و توضیح همیست و خصوصیت چنین انتخاباتی به همگی مردم امکان پذیر نیست، مگر آنکه دولت انقلابی موقت جا بگزین دولتی شود که با انقلاب در جنگ است." (۸)

اینکه مجلس مؤسسان برزمینه سرنگونی بورژوازی و امحاء تمام میسازد سرگوب - بورژوازی (ارتش و شورویک) و بمثابه مکمل ملیش مردمی برپا خواهد شد و با بنابه ذمل نظم پیشین، طوبه ای و شیرینی یال و کوبائی خواهد بود و کده وظیفه ای در برآست خود نخواهد داشت جز تظلم آنچه که مانده - است و گویا مانده ای است، را نیز با بیدرد - همین وجه افتراق است:

"اینکه یک مجلس مؤسسان نامیده شود یا ناما بندگان مردم که برآی همگانی، - برآست و تقسیم و مخفی آنان گزیده شده اند و در آن شرکت کنند و از آن انتخابی اتفاق تا مین شده باشد، کفایت نمیکند. علاوه بر تمام این شرایط، با بد مجلس مؤسسان قدرت و امکانات مادی تا مین ساخت های نوین را داشته باشد. در تاریخ انقلابات نمونه های از مجلس های با صلاح مؤسسان وجود دارد، در حالیکه در واقع قدرت مساوی و قدرت قضائی درست این مجالس نبوده، بلکه حکومت استبدادی پیشین این قدرت ها را در دست داشته. طی دوران انقلاب -

آلمان بسال ۱۸۴۸ چنین بود و همین سبب نیز "مجلس مؤسسان" این دوران، پارلمان مشهور فرانکفورت، شهرت نه چندانی خوش نام، مبتذل را کسب کرد. از این مجلس به پرگوشی در مورد آزادی میپرداخت، قوانین در مورد آزادی وضع میگرد، اما جهت محای آن نهادها، حکومتی که این آزادی را از میان میبردند هیچ اقدامی نمیکرد (پس کما "طبیعی است که این مجلس بینهوائی - حرفا ن بینهوائی بورژوازی لیبرال - خائفا نه محترمانه ترک کنند." (۹)

غنا ی تجربی بلشویزم در طول بیش از - پانزده سال مبارزه طبقه ای، خودمؤید - این مطلب است، این که برآستی قدرت واقعی در کجاست؟ مردم به تجربه در مسی با بندگان گزینشوا نه تنها بندگان مردمی قدرت کامل گنجا شد، اگر حکومت موجود آنرا فرا خوانده باشد و این حکومت نیز در جوار ناما بندگان مردمی، دست نخوردنی مانده باشد، آنکه ناما بندگان مردمی هیچ نیست. آنچه آهنگ و قلاب آنرا در دست روز فرا میدهند، این یا آن نحوه تنظیم قوانین، قانون سازی نیست، بلکه مسئله قدرت واقعی است. میتوان قوانین و منتخبینی داشت، اما اگر آنها قدرت را در دست نداشتند، هیچ هستند. این آموزه ای است که دوما ی کادتها به مردم آموخت. بنا بر این بر سر (قبیل) دوما ی مرحوم سرود مرگ او را سردیم و از درسی که این دوما بما آموخته، نهایت استفاده را بنمائیم" (۱۰)

سومین وجه افتراق بین دودیدگاها در درپیش شرطهای ضروری برپائی مجلس مؤسسان توده ای یا بدجاست، بلشویزم بر این باور بود که تنها فروتنی تعداد دشوراها یا کارگران و زحمتکشان و نیز مسلح کردن توده های زحمتکش است که میتواند برپائی مجلس مؤسسان واقعاً - توده ای را تضمین شود. هرگاه شوراها یا انقلابی کارگران و زحمتکشان، بتوانند، با مسلح کردن توده ها، "خلائق" ناشی از سر -

بقیه از صفحه ۱۰

نگونی نهادهای بورژوازی را برکنند،
آنگاه و فقط آنگاه، مجلس موسسان
شوا نسبتاً به ابزاری دریک دورا انقلابی
در راستای استقرار نظام شورائی بکار
آید، و در غیر این صورت، یعنی هرگاه
مجلس موسسان نتوانست به چنین نقشی
پایبند باشد (آنچنانکه در تجربه پس از
قیام اکثریدر روسیه روی داد)، با این
قواهای انقلابی اندکه توان انحلال آن
و جایگزین کردن خود را بجایش خواهند
داشت، (آنچنانکه در تجربه پس از قیام
اکتبر روی داد).

از همان بدو انقلاب، در مورد مجلس
موسسان در نظر و جوهره داشت، سوسیالیست
رولوسیونرها و منشویکها که عمیقاً "غرق
پندارهای مشروطه طلبانه بودند، و قانع
را با همان اطمینان یک خرده بورژوازی
می نگریستند، خرده بورژوازی که نمایی
خواهد کلامی در مورد مسأله رزه طبقه
بشود: مجلس موسسان اعلام شده است،
مجلس موسسان تشکیل خواهد شد، همین
بس که هر که خواهان پیش از این است،
اسیر شیطان شده! منشویکها میگفتند:
فراخوان مجلس موسسان و موقعیت اعمال
آن تنها زمانی تضمین خواهد شد که شوراها
نیرو و قدرت خود را تحکیم بخشند.

منشویکها و سوسیال رولوسیونرها مرکز
نقل عملیاتی را بر عمل قضاوتی فراخوان
مجلس موسسان، و تا شیدا و غلام آن منتقل
ساخته بودند. منشویکها بعکس مرکز نقل
را در مبارزه طبقه ای تنها دیده بودند؛ گس
شوراها پیروزشوند، تشکیل مجلس موسسان
تضمین شده خواهد بود، در غیر این صورت
برای این کار تضمینی نخواهد بود. (۱۱)
در فاصله بین آوریل و اکتبر سال
۱۹۱۷، لنین با راهبر این امر که
این تنها رهبری منشویکهاست که قادر
به ضمانت برپائی مجلس موسسان، بدون
لحظه ای درنگ است، پای فشرده منشویک
ها همزمان با فراخواندن مجلس موسسان
معمماً نه در راستای اعمال هژمونی خویش
بر شوراها که در آن زمان نیز نفوذ منشویکها
واساها بودند، گام بر میداشتند.

در آوریل ۱۹۱۷، لنین مواضع نیرو
های سیاسی موجود در روسیه را جمله منشویک
ها را در برابر این سؤال که "آیا باید
مجلس موسسان را فراخواند"، چنین فرمول
بندی کرد:

"الف - طیف راست کادتها: نه،
چرا که مجلس موسسان میتواند برای
ملکین بزرگ زمین آوری باشد، دهقانان
خوبی میتواند نند در مجلس موسسان چنین
تضمین کند که تمامی اراضی ملکین را
مصادره کنند.

ب - کادتها: بله، اما با آن تکسسه
تاریخی برای آن تعیین کنیم، با پیدایش
موضوعراطی مدتی هر چه طولانی تر باشد
دانشمندان قضاوت و اگدا ریم: زیرا
همانگونه که بیا، پیش از این گفته،
قضاوت مرجع ترین افراد هستند
تجربه تمامی انقلابها بیا می آموزند که
همین که آرای مردم را بدست دانشمندان
سپارید، از دست میروند.

ج - سوسیال دموکراتها و سوسیال
رولوسیونرها: بله، و هر چه سریع تر باید
تا ریبانرا تعیین کرد، ما در کمسیون
ارتباطات صدها بار در این باره سخن
گفته ایم و فردا نیز برای مدویکمین بار
سخن خواهیم گفت، تا نتیجه قطعی این
مسئله روشن شود.

د - منشویکها: بله، هر چه سریع تر.
اما یگانها من موفقیت مجلس موسسان
و فراخوانی آن در افزایش تعداد دشوارها
و تحکیم نیروهای آنست (شورایینما بیند
گان کارگران، سربازان، دهقانان و غیره)

دوران مجلس موسسان

سازماندهی و تسلیح شده ها: این است
یگانها من (۱۲)

برای منشویکها، فراخوانی مجلس
موسسان، تنها در راستای مبارزه برای
کسب قدرت، معنای یافت و هم از این رو
هر کجا که سخنی از مجلس موسسان
میآمد بی درنگ شمارشورها، زمین
طرح میماند به اجزاء دیگر پلاتفرم مبارزه
مطرح میشد، چرا که آنچه برای رهبری
انقلابی مطرح بود همانا تسریع شکل گیری
عناصر دهنی انقلاب پرولتری بود پس و از
همین رولوسیونزم مجلس موسسان را به
مثال برای ابزاری در راستای شکل بخشیدن
به تشکل طبقاتی پرولتاریا و توده های
انقلابی زحمتکش در نظر میآورد.

نکته دیگر، مسئله ایست سب شیروها در خود
مجلس موسسان بود.
بوخارین در نطقی که در نوامبر ۱۹۱۷
ایرا کرد، ضمن فراخوانی مجلس موسسان
بر این باور پای فشرده در مجلس موسسان
برپا شده، گادتها را جاشی نخواهد بود،
منشویکها بر این باور بودند که مجلس
موسسان، منشویکها واساها هیچ اکثریت
چشم گیری را از آن خود نخواهند کرد.

۱- حدناط بنیسی را دیده اندگان به ۱۸ سال
بلافاصله بین از قیام اکثر، این روشنی را مورد
انتخابات مجلس موسسان هدا دهد و ادخواست لنین
این بود که: ۱- حدناط بنیسی رای دهندگان به
۱۸ سال کاهش یابد، ۲- دلایست انتخاباتی کاند
نید اها که از پیش از قیام اکثر تهیه شده بود،
تجدید نظر شود، ۳- سواد از آن کورنیلقو کادتها
از انتخاب شدن محروم گردند.

از انتخاب شدن محروم گردند، بمنظور زمینه سازی
تحقق این خواستها، لنین تقاضای تسویق زمان
فراخوانی مجلس موسسان را نمود، اما دیگر رهبران
منشویک، همچنان بر برپائی سریع مجلس
موسسان اصرار میوزیدند، چرا که بزعم اینان
منشویکها نباید آنچرا که برای دولت کزنسکی
گناهی کبیره مینامیدند، یعنی تسویق برپائی
مجلس موسسان را خود مرتکب شوند، برخورد
لنین به چنین پندارهای چنین بود:

"هرگونه تشبیه، مستقیماً غیر مستقیم
بمنظور اینکه بموضوع مجلس موسسان از
جنبه موری قضاوتی، در قالب دموکراسی
عادی بورژوازی و بدون در نظر گرفتن
مبارزه طبقه ای و جنگ داخلی نگریسته
شود، خیانت به راه پرولتاریا و پیوستن
به نظریه بورژوازی است. بر خیزد اشتن
همه و هر کس از این اشتباهی که معدود یاز
سرا منشویک، بعطت عدم توانائی در
ارزیابی قیام اکثر و وظایف دیکتاتوری
پرولتاریا بدان درجا میروند، و طبقه
بلاشرط سوسیال دموکراسی انقلابی است.
یگانها من برای حل بدون دردیحراستی که
در نتیجه عدم مطلق انتخابات مجلس
موسسان با ارائه مردم و همچنین با منافع
طبقات زحمتکش و استثمار رشونده بوجود
آمده است، عبارست از اجرای هر چه
وسیعتر حق تجدید انتخابات مجلس موسسان
از طرف مردم بیوستی خود مجلس موسسان
به قانون ما دره ز طرف کمیته اجرا تشبه
مرکزی در باره این تجدید انتخابات و
اعلام بلافاصله و شرط شناسائی حکومت شوروی
انقلاب شوروی و سیاست آن در مورد مسئله
طرح زمین و کنترل کارگری از طرف مجلس
موسسان و پیوستن قطعی مجلس موسسان به
قزارگه مخالفین ضد انقلاب کادتنسی
کالدینی. (۱۳)

لنین در باره پروردولف که همچنان
بر فراخوانی بلادرنگ مجلس موسسان اصرار
میوزید، میگفت: "بگذارید میدانرا شیم
که انقلاب بیاها بین فراخوانی سریع را

مرگ خویش بپردازد، بهر رو انتخابات انجام گرفت و از
۷۰۷ نماینده منتخب، اسارها را است
عملاً اکثریت را بدست آوردند (اسار
های راست ۲۷۰ کرسی از مجموع ۷۰۷ -
کرسی) و منشویکها تنها ۱۰ کرسی را از آن
خود کردند (۱۷۵ نماینده) اما این ارقام
را نمیتواند بیگانه ای حسابی منظور داشت،
و بر آنکندگی و تمرکز، حمایت و عدم حمایت
از کاندیدای منشویکها را در رابطه با
مناطج جغرافیائی، برای تفسیر ارقام
در نظر نیاورد. مثلاً میزان رای منشویکها
ها در شهرهای بزرگ ۴ برابر آرای منشویکها
بود (مجموع نمایندگان در مجلس ۱۶ نفر
بود)، این خود نما یا تکرر ترکیب عنا صر
حاشی منشویکها نبود که عمدتاً "میشد آنها
را در میان پرولتاریای صنعتی یافت.
اما دلایل عمده برای چنین نتایج
انتخاباتی که "ملا روشنی بود. انتخابات
مجلس موسسان بر مابست گسترده تراز
انتخابات شوراها بزرگتر شده بود، در حالی
که در انتخابات دومین کنگره شوراها
سراسری روسیه، بیست میلیون نفر شرکت
کرده بودند، تعداد شرکت کنندگان در
انتخابات مجلس موسسان بیش از ۴۰
میلیون نفر بود، و اگر چه اسارها راست
در میان توده های غیر پرولتری، اکثریت
را بدست داشتند، اما هژمونی اینان،
هژمونی کجسری سیاسی و بی تصمیمی خیره
بورژوازی شهرها و میلیونها دهقانی بود
که دورتر از شهرهای بزرگ زندگی میکردند
در صورتیکه در سوا دیگر آرای منشویکها
بازتاب ۱- حمایت پرولتاریای صنعتی،
۲- تقریباً نیمی از نیروهای مسلح، و
۳- حمایت چشم گیر در زمان نیکمائی
کننده، یعنی زمان انقلاب و یکاچی چون
شهرهای بزرگی چون پتروگراد و مسکو
جبهه های نزدیک به مرکز از برنا مسه
بلشویزم بود.

در ۱۳ دسامبر، پراودا، تزه ای لنین
را در باره مجلس موسسان انتشار داد.
لنین موضع منشویکها را در مقابل مجلس
موسسان این چنین آورده بود که سوسیال
دموکراسی انقلابی کرا را "وازا غارت انقلاب
۱۹۱۷ اعلام داشته که جمهوری شوراها، نیم
مرتبه بالاتری از جمهوری بورژوازی حتی
در دموکراسی تیک ترین نوعش است، و
تنها دی چون شوراها برتر و پیشرفته تر
دموکراسی تیک تر از آنها دی چون مجلس
موسسان است که بر تارگی دموکراسی پرولتری
قرار دادند، نیز در نوشته لنین آمده بود که
انتخابات مجلس موسسان نما با تکرر
توده های مردم نبوده، چرا که پس از قیام
اکتبر، توده ها بر روشنی بیچ گرویده بودند،
در صورتیکه نتایج انتخابات مجلس موسسان
بازتاب این واقعیت نبود، از سوی دیگر
جنگ داخلی، سبب طبقه ای را به عربان
ترین شکل خویش کثرت شده بود و این
این نکته بود که دیگر نمیشد دنبال راه
های قانونی برای حل بحرانها که
انقلاب با آن رو بر رو بود شتافت، از دید
گالین، اگر مجلس موسسان قدرتش
ها و انقلاب پرولتری را به رسمیت نشناسد
(که نشناخت) و گردن بر سیاستهای انقلاب
در باره ملج زمین کنترل کارگری بر
تولید، نگذارد (که نگذاشت)، آنگاه بحران
موجود در رابطه با مجلس موسسان، تنها
میثوانست از طریق انقلابی و آهم متوسط
شوراها که پرشوان ترین، پرشنا ترین و
منجم ترین ابزار دردست داشتند حل
شود، (که شد).

لنین سه عامل را در راستای توضیح
ضرورت انحلال مجلس موسسان پیش نهاد:
نخست آنکه مجلس موسسان، بر مابست
بورژوازی است که ببدل به نقل تموکسز

بازنده نیرو و با استفاده از تمام امکانات به دفاع از زندانیان اسیر در دست در خمیان برخیزیم

بقیه از صفحه ۷

انقلاب بجا دو گستری الحاق گردیدند همه زیر نظر شورایی عالی قضائی که دادستان - آن ربانی املشی ورئیس دیوان کشورش موسوی اردبیلی است ومقرآن در کاخ - دادگستری در تهران قرار دارد، می باشد، اما از طرف دیگر حکم م شروع دادسرا ها و دادگاه های هر شهر ومحلی مستقیم وبلاواسطه با زیرسیها ومحاكمات بوده و کمیته ها وبیاداران مسئول دستگیریها و بازجوئی های اولیه اند. تاکنون مراجعه خانوادها برای اطلاع از اینکه فرزندان آنها در کجا بسر میبرند به زندانها و کمیته های محلی و در حدیلا تریه دادسرای - انقلاب مرکز بوده است. ولی برای اقدامات دسته جمعی مراجعه به مقامات ومسئولین اصلی یعنی شورایی عالی قضائی وحتمی مجلس شورا صورت گرفته است. گه ا شرات کموبیش مثبتی داشته است.

رژیم جنایتکار و ضد خلقی جمهوری اسلامی دردستگیریهای اخیر ابتدائی ترین حقوق انسانی را آنچنان نقض کرده است که دست رژیم شاه را از پشت بسته است. رژیم ضد خلقی تمام موازین بین المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقررات حداقل شرایب برای زندانیان - موموم جمع عمومی سازمان ملل که حتی موردقبول دولتهای سرمایه داری- مسی با شددوقاومین خود جمهوری اسلامی را زیر پا گذاشته است. (ما در جدول جداگانه ای در این شماره هم این موازین را چاپ می کنیم).

بنا بر این علاوه بر شعار "زندانی - سیاسی آزاد باید کرد" که شما را صلی و اساسی باید باشد بعنوان خواستهای - فوری تکیه روی این حقوق ومبارزه برای

و ادا رکودن رژیم به رعایت این موازین میشود اتمورد توجه قرار گیرد.

هما نظوری که گفتم فعلا لیت ما در آن وخانواده های زندانیان سیاسی، حرکتی طبیعی وابتدائی برای دفاع از زندانیان دلیرماست. گنگانیدن این مبارزه به محافل سیاسی - اجتماعی، به کانونهای دموکراتیک، ب درون کارخانجات، به درون ادارات، به مدارس و... اهمیت بسیار دارد. برای آنکه دفاع از زندانیان سیاسی همه جانبه بوده و رژیم مجبور به عقب نشینی شود علاوه بر اقداماتی که در ایران صورت میگیرد باید دروسی بسج نیروهای مترقی جهان تکیه کرد. باید از زمانهای مترقی حمایت از زندانیان سیاسی خواسته شود که فریاد اعتراض خود را علیه جنایات رژیم در اردوگاه های زندانیان ایران بلندکنند. لازمست با اتخاذ اشکال متنوع مبارزه را نیز برای وحکومت در جهت فرستادن هیئت های برای بازدید از زندانیانهای جمهوری اسلامی و رسیدگی به اعداهای دسته جمعی روزمره مساعی خویش را بکار ببرند. در گذشته، در زمان شاه چنین هیئت هایی با ایران گسیل شدند که درواداشتن رژیم به رعایت پایزهای از حقوق زندانیان وهمچنین افساء، شهنیت فاشیستی رژیم قدماتی برداشته شد. باید افکار عمومی جهان را در جریان واقعا ایران، اینکه زندانیان چه میکنند، چگونگی دستگیریها، اذیت و آزارو شکنجه زندانیان و اعداهای بسی محاکمه و بی دلیل ومدرك فرار داد. در عین حال ضروری است که مردم ترفیخواه - جهان را در جریان مبارزات مردم ایران، اعتراضات کارگران وسایر اقشار خلقی و اهداف مبارزات مردم ایران قرار دادتا

بیتوان بیشترین نیروی ممکن از محافل مترقی جهان را جلب کرد. رژیم ایران - میخواهد چنین اتمودکننده با فکر عمومی جهان نبهائی نداده وبرای اعتراضات آنها از زنی قائل نیست. اما این امر ظاهری بیش نیست. رژیم که در درون پایگاه وسیعی ندا ردو سخت موردا اعتراض بوده - هاست اکنون که بیش از پیش در صحنه جهانی وخاورمیانه منطبقه منزوی شده است نمیتواند چنین وضعی را تحمل کند.

انزوای سیاسی رژیم در جهان روز بروز - برایش ناگوار تر میشود. بی جهت نیست که فخرالدین حاجزی بیکی از سردمداران وسنگویمان رژیم چندین بار از چنین انزوای سیاسی ایران گنرانی شدید کرد. پس علیرغم تعارض رژیم به بی اعتنائی به افکار عمومی جهان، باید هر چه بیشتر رژیم را توسط نیروهای مترقی جهان مورد - تعرض وفشاز قرار داد. اقدامات اخیر دا نشجویان مبارز در خارچا زکورتکا کنون بسیار چشمگیر وموفقیت آمیز بوده وتوانسته ندای حق طلبانه انقلابیون ایران را بگوش مردوخان برساند. وضع زندانیان سیاسی وسطمیا رزات درون - ایجاب میکند که مبارزات دانشجویان - مبارز خارچا زکورتکا شکل سازمان یافته تری ارتقاء یابد. لازمست با تشکیل "کمیته های همبستگی ودفاع زخلستی مبارز ایران" که با شرکت نیروهای دمکرات وضا میربالیست جهان بوجود می آید، این کارزار دفاعی راهر چه وسیع تر و گسترده تر به پیش برد.

باید با همه نیرو و با استفاده از تمام امکانات، مبارزات و خارچا ایران، به دفاع از زندانیان در بند، این قهرمانان جان برکف برخیزیم!

افتخار بر برد لاوری که در سیاهالهای رژیم جمهوری اسلامی قهرمانان نبه مبارزه ومقاومت ادا میسند.

مرگ بر در زخمیان، جنايتکاران، قاتلان وشکنجه گران فرزندان دلاور ما، به همت توده ها، زندانی سیاسی آزاد - باید کرد!

درباره مجلس موسسان

بقیه از صفحه ۱۱

نیروهای فدای انقلاب شده بود، و دوام آنکه بخاطر سیاسی از مسائل ودرگیریهای تکنیکی ومتادفی چون انشعاب بیمن اسارها، زمان برگزاری انتخابات و... مجلس موسسان بدرستی، نمایانگر توازن نیروهای سیاسی دروسیه نبود، بورژوازی بحساب آید.

"آقایان اپورتوننیستها، منجمله بیروان کواوشکی، برای بمخیره گرفتن آموزش- های ما رکن به مردم " میاموزند" که بورژوازی نخصت با بیداکثریتی را با استفاده از وساثل "حقوق همگانی" سمت خود بشکند، سپس قدرت دولتی را از طریق رای اکثریت، بدست آورد، وبعده از همه ایضا، بر اساس دموکراسی پایدار" - (بعضی به آن دموکراسی ناب میگویند)، سوسیالیسم را برقرار سازد، اما ما بسبر اساس آموزشهای ما رکن وتجربیهات انقلاب

روسیه میگوئیم که: پرولتاریا باید نخست بورژوازی را براندازد و قدرت دولت را "برای خود" فراچنگ آورد، و سپس، از قدرت دولت، که همان دیکتاتورپرولتار - ریاست بمنزله ای برای در دست طبقه خود، برای جلب طرفداری اکثریت زحمتکشان استفاده کند." (۱۴)

مجلس موسسان در ژانویه ۱۹۸۸ برپا شد. وسوردولف بیانیة حقوق استثمار - شونگاکان وزحمتکشان، بیانیة ای که توسط لنین نوشته شده بود میبنا به برنامسه حکومت شوراها به عمل بر میگردد، قرارت کرد.

نمایندگان مجلس موسسان، با ۲۳۷ رای مخالف، دربرابر ۱۳۶ رای موافق، بیانیة حکومت شوراها را رد کرد، و این بیانیة بودیرحیات یک روزه دموکراسی بورژوازی، در بطن کامت شوراها.

انقلاب اکثریادادان قدرت به شوراها و از طریق آن به تمامی کارگران و - زحمتکشان، به مقابله با نهادهای بورژوازی برداخت. زحمتکشان به تجربه دریا فتند که نظم رایمانی بورژوازی نه تنها دیگر دلائل وجودی خویش را از دست داده است، بلکه عملاً دربرابر استای دستبایی به سوسیالیسم ایستاده. دیگر این نه تنها ده های ملی، بل نهادهای طبقاتی اندکسیه قاذبه دفع مقامت طبقات بهره کش و فرو روپاندن جامعه به جامعه سوسیالیستی، میباشند. ندادن تمامی قدرت به شوراها، سلب قدرت از حکومت شوروی، بفاطرهای سندی به نظام پرولتاریائی

ودر راست آن مجلس موسسان، آنکه ها که - توده ها خود در تجربه خویش به کهنه گی - پوشیدگی چنین نهادهایی پی برده - بآشنند، چیزی نمیتوانند با شدد جزم گام نهادن در خلاف جریان تاریخ.

توضیحات:

- ۱- لنین، نامه به کمیوننیستها اثریشی
- ۲- لنین، بیماری کو دک "چپ روی" در کموننیسم، منتخبات آثار ریزبان فارسی صفحه ۷۶۲
- ۳- لنین، همان جا، همان صفحه
- ۴- لنین، همان جا، صفحه ۷۴۹
- ۵- لنین، " "
- ۶- لنین، " "
- ۷- لنین، تزه های مربوط به مجلس موسسان، منتخبات آثار ریزبان فارسی صفحه ۵۷۱
- ۸- لنین، وظایف دموکراتیک پرولتاریائی انقلابی
- ۹- لنین، کلیات آثار، جلد ۱۰ (۱۹۰۵) - صفحه ۶۱ - ۵۷
- ۱۰- لنین، کلیات آثار، جلد ۱۱ (۱۹۰۶) - صفحه ۱۰۴
- ۱۱- لنین، بندهای مشروطه طلبانه کلیات آثار، جلد ۲۵، صفحه ۲۱۶ - ۲۱۴
- ۱۲- لنین، احزاب در روسیه و وظایف پرولتاریا، کلیات آثار جلد ۴، صفحه ۹۱
- ۱۳- لنین، تزه های مربوط به مجلس موسسان، منتخبات آثار ریزبان فارسی صفحه ۵۷۲
- ۱۴- لنین، انتخابات مجلس موسسان و دیکتاتور بورژوازی پرولتاریا صفحه ۲۱

ایرلند جنوبی

نظا هرات مردم ایرلند جنوبی حمایت از تنش جمهوریخواه ایرلند، نقاب از چهره مزورانه دولت ایرلند جنوبی برداشت

در دو هفته گذشته نظا هرات گسترده ای در دفاع از حقوق خلق ایرلند در ویلی یا پیتخت ایرلند جنوبی صورت گرفت. دولت ایرلند جنوبی در برابر این نظا هرات و نیز نظا هرات ۱۷ هزار نفری در مقابل سفارت انگلستان در دوبلین که سفیر آن اعتراض به سیاستهای تجاوزگرانه دولت انگلستان در برخورد به جنبش خودهای ایرلند انجام گرفته بود، سکوت اختیار نکرد. با آنکه شاخه سیاسی ایرلند جنوبی خواهان است که در قبال وضعیت فوق العاده در ایرلند شمالی موضع مشخص دولت را اعلام دارد، اما دولت به تنهایی از آنجا دهرگونه موضع گیری مشخص سیاسی ظفره رفت بلکه با بیشرده سیاست رانسان داد.

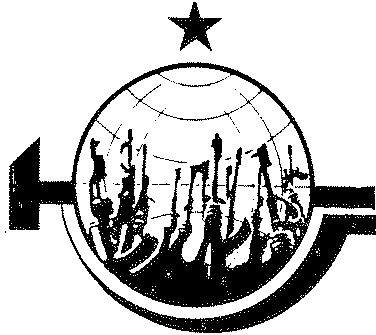
دولت ایرلند با موافقت با اعزام دومام اداری جهت مذاکره با ه تن از ا اعتصاب کننده غذا، عملاً حرکتی در جهت تامین مناقع امیریا لیستی ای انگلیسی و بورژوازی ایرلند و یا بمال کردن حقوق خلق ایرلند برداشت. دولت ایرلند جنوبی بعنوان نماینده

بورژوازی وابسته ایرلند و به مناسبت شکلی از ا حاکمیت غیر مستقیم بریتانیا و سایر امیریا لیستها بر ایرلند، طی سالها در از سعی کرده است با توسل به شیوه های فریبکارانه مبارزات خلق ایرلند را مهار کند. دولت ایرلند همواره سعی کرده است بدروغ خود را مدافع سرسخت حقوق خلق ایرلند و حامی وحدت و یکپارچگی ایرلند نشان دهد. حال آنکه نکل گیری دولت ایرلند در جنوب و کلاً تحریک ایرلند (به شمال و جنوب) بمنظور ادا مبعاه حاکمیت بریتانیا بر ایرلند و تقسیم طبقه کارگر بمنظور استعمار و بهره کشی هرچه بیشتر این زحمتکشان توسط بورژوازی ایرلند و امیریا لیسم بریتانیا، صورت گرفت. و به همین خاطر نه دولت ایرلند و نه امیریا لیسم انگلستان، تمایلی به وحدت مجدد ایرلند ندارند، تقسیم طبقه کارگر به گروههای مختلف نژادی و مذهبی در ایرلند شمالی و رودر روبرو دادن آنها با یکدیگر و نیز اعطاء جزئی از ارزش اضافی به بخش ممتاز طبقه کارگر و بوجود آوردن اثر افیست کارگری (عمدتاً در بین کارگران - پروتستان و انگلیسی) و استعمار شدید تر بخش دیگر کارگران، اساس سیاست امیریا لیستها و سرمایه داران را تشکیل میدهد.

تردیدی نیست که بورژوازی وابسته ایرلند بیوند تنگاتنگی با سرمایه های امیریا لیستی بریتانیا دارد. سرمایه راه ایرلند را آزادانه کالاهای خود - گذاری میکند و از نیروی کار ارزان و منابع آن، بدون هیچ مانعی بهره میرد. بطوریکه هیچ سدی در برابر استثمار امیریا لیستی و غارت توده های زحمتکش در ایرلند وجود ندارد. با این وجود بورژوازی ایرلند سعی دارد در افکار عمومی مردم ایرلند خود را همراه

جنبش جهانی

کارگری - رها نیخش



همگام خلق ایرلند قلمداد نماید. هم چنانکه می بینیم دولت های ارتجاعی عرب که تا مفرز استخوان بها امیریا لیستها وابسته اند خود را مدافع حقوق خلق فلسطین جا می زنند و با ژست بظا هر ضد امیریا لیستی - صهیونیستی، در واقع مناقع غارتگران امیریا لیست را در منطقه تامین میکنند.

از این روست که دولت ایرلند جنوبی هر نوع سیاستی را که در قبال مبارزات خلق ایرلند به پیش برد، عملاً در جهت تامین مناقع و سودهای کلان سرمایه داران و امیریا لیستها و سرکوب جنبش توده ها و یا بمال کردن حقوق خلق ایرلند خواهد بود. و بدیگر سخن، هر قدر بورژوازی وابسته ایرلند از وحدت ایرلند لاف بزند، نمیتواند مردم ایرلند و جهان را برای مدتی طولانی بفریبد.

کلمبیا

مبارزات انقلابیون کلمبیا اوج تازه ای می یابد

طی چند هفته اخیر، انقلابیون کلمبیا مبارزات خویش را علیه نیروهای ارتشی سویژه در نواحی جنوب کشور، شدت بخشیده اند. این درگیری ها در هفته گذشته (هفته سالگرد نیروی کار آمدن دولت نظامی کنونی در ژوئیه ۱۹۷۶) موجب کشته شدن بیش از ۵۰ نفر منجمله ۲۱ نفر از نیروهای نظامی رژیم گردید. دولت نظامی کلمبیا در اوایل بهار سال جاری لایحه ای فریبکارانه مبنی بر عفو چریکها به شرط تسلیم نمودن خویش در برابر رلمان به تصویب رساند تا بدین وسیله از سویی کشتار نیروهای انقلابی را موجه جلوه دهد و از سوی دیگر عتبار مبارزکاران را به سوی خود جلب نماید. دولت در پی تصویب این لایحه سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی

را آغاز کرد. تبعیب، بازداشت و کشتار چریکهای انقلابی در مناطق کوهستانی و روستاها از طریق پروازهای تجسی و در شهرها از طریق اجرای مقررات حکومت نظامی، منع رفت و آمد و منع تجمع افراد و... ادامه دارد. سازمانهای انقلابی از همان آغاز مخالفت خویش را با "لایحه احزاب" - مصوبه پارلمان اعلام نمودند و نیز در پی موج اخیر سرکوب رژیم، اعلام نمودند که "تا آخرین قطره خون خویش به مبارزه ادامه خواهند داد" این سازمانها کسه عمدتاً عبارتند از: "جنبش ۱۹ آوریل" (۱۹ - ۴۸)، "نیروهای انقلابی مسلح کلمبیا" (FARC) و "ارتش رها نیخش خلق" (EPL)، طی چند هفته اخیر عملیات تعرضی خویش را از قبیل اعدام انقلابی نیروهای پلیس، انفجار مراکز نظامی، حمله به واحدهای نظامی، اشغال موقت مرکز پخش برنامهای تلویزیونی و... گسترش داده اند. از سوی دیگر، شدت بحران اقتصادی موجود در کشور سرمایه داران را وادار به اخراج دسته جمعی کارگران در بسیاری واحدهای صنعتی مخصوص کارخانجات نساجی، لباس دوزی و صنایع انومسیل

سازی نموده است. آخرین آمار رسمی دولت در مورد تعداد بیکاران، که مربوط به قبل از اخراجهای دسته جمعی اخیر می باشد، یک میلیون نفر است. (جمعیت تقریبی کلمبیا ۲۵ تا ۲۸ میلیون نفر است) با توجه به آنکه بیکاران در ایسر کشور عموماً "ناقذیمه" بیکاری هستند افزایش روز افزون بیکاری می رود تا توده ها را هر چه بیشتر به عرصه مبارزه - کشانده و جا معده را به نقطه ای انفجار آمیز نزدیک سازد. در چنین شرایطی است که نیروهای انقلابی در تلاش هستند تا بیوندی مستقیم میان مبارزات توده ها و نیروی مسلحانه پیشانیان خلق برقرار سازند. اخیراً "جنبش ۱۹ آوریل" (۱۹ - ۴۸) در یک بیانیه ترویجی - تبلیغی خویش به تحلیل عملکردهای اخیر هیئت حاکمه منجمله قطع رابطه سیاسی کلمبیا با کوبا (که بدستور کاخ سفید انجام گرفته) و نیز به افشای سیاستهای ارتجاعی و ضد خلقی رژیم کلمبیا پرداخت. بیانیه توده ها را به پیوستن به مبارزات ضد رژیم و برنشلش بیکار و مصمم در گسترش مبارزات ضد امیریا لیستی - دمکراتیک که تبلور خواسته ها و نیازهای واقعی - خلق کلمبیا است، فرا خواند.

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای
رها نیخش سراسر جهان

اطلاعیه امور مالی سازمان

در شرایط حساس و بحرانی کنونی سازمان جهت پیشبرد وظایف انقلابی در قبال کارگران و زحمتکشان و پاسخگویی به خواسته‌های مردم جنبش پیش از پیش نیاز مبرم به کمکهای مالی شما دارد از هر طریق که می‌توانید کمکهای مالی خود را همراه با کد مربوطه به دست سازمان برسانید.

الف	۵۳۸۱	ظ	۱۷۵۵	ح	۱۷۵۵
ب	۱۰۰۴۷	ط	۵۴۵	خ	۵۴۵
ج	۳۱۱۱	ظ	۲۱۰۳	ط	۲۱۰۳
د	۱۰۵۵	ع	۶۲۸۱	ع	۶۲۸۱
هـ	۷۰۰	ع	۲۳۰۰	ع	۲۳۰۰
و	۵۱۵۰	ع	۲۵۶۱	ع	۲۵۶۱
ز	۱۹۱۳	ع	۵۱۶۹	ع	۵۱۶۹
ح	۱۴۱۳	ع	۶۲۰۱	ع	۶۲۰۱
ط	۱۱۰۰	ع	۵۱۲۳	ع	۵۱۲۳
ظ	۵۳۳۳	ع	۱۱۲۳	ع	۱۱۲۳
چ	۱۰۱۲	ع	۱۰۹۹	ع	۱۰۹۹
خ	۵۵۵	ع	۱۱۲۱	ع	۱۱۲۱
ح	۵۹۹	ع	۱۰۱۲	ع	۱۰۱۲
ط	۲۲۲۲	ع	۱۰۸۳۳	ع	۱۰۸۳۳
ظ	۱۳۶۰	ع	۱۹۵۰	ع	۱۹۵۰
چ	۸۰۰	ع	۳۰۰۱	ع	۳۰۰۱
خ	۱۱۱۱	ع	۱۱۰۰	ع	۱۱۰۰
ح	۱۷۶۹	ع	۶۰۰	ع	۶۰۰
ط	۱۴۲۵	ع	۶۰۲۰	ع	۶۰۲۰
ظ	۱۲۱۲	ع	۱۵۵۵	ع	۱۵۵۵
چ	۱۹۲۵	ع	۹۱۴	ع	۹۱۴
خ	۲۲۲۲	ع	۶۱۴۰	ع	۶۱۴۰
ح	۱۳۶۰	ع	۵۵۵	ع	۵۵۵
ط	۱۴۲۵	ع	۵۶۴۸	ع	۵۶۴۸
ظ	۱۲۱۲	ع	۵۶۷	ع	۵۶۷
چ	۴۴۲۱	ع	۱۲۰۲۵	ع	۱۲۰۲۵
خ	۱۹۲۱	ع	۲۰۳۵	ع	۲۰۳۵
ح	۱۰۱۲	ع	۵۵۵	ع	۵۵۵
ط	۵۴۰	ع	۵۶۲	ع	۵۶۲
ظ	۲۶۰۳	ع	۱۲۰۲۵	ع	۱۲۰۲۵
چ	۲۱۰۲	ع	۵۵۵	ع	۵۵۵
خ	۱۰۱۰۱	ع	۶۱۴۰	ع	۶۱۴۰
ح	۱۲۲۲	ع	۵۵۵	ع	۵۵۵
ط	۱۱۱۰۵	ع	۵۶۴۰	ع	۵۶۴۰
ظ	۷۶۰۵	ع	۲۱۱۲	ع	۲۱۱۲
چ	۱۶۱۱	ع	۲۱۱۰	ع	۲۱۱۰
خ	۳۳۰۰	ع	۲۸۰۰	ع	۲۸۰۰
ح	۵۷۸۷	ع	۳۴۱۰	ع	۳۴۱۰
ط	۴۱۱۱	ع	۵۱۶۱	ع	۵۱۶۱
ظ	۱۷۰۰	ع	۲۱۲	ع	۲۱۲
چ	۲۰۲۱۹	ع	۱۶۶۶	ع	۱۶۶۶
خ	۱۲۰۳	ع	۱۱۱۱	ع	۱۱۱۱
ح	۵۰۴۲	ع	۱۲۲۲	ع	۱۲۲۲
ط	۵۰۴۲	ع	۵۰۰۱	ع	۵۰۰۱
ظ	۵۰۴۲	ع	۲۶۱۲	ع	۲۶۱۲
چ	۵۶۱۹	ع	۱۰۰۲۴۰	ع	۱۰۰۲۴۰
خ	۷۵۰۰	ع	۱۰۲۷۷	ع	۱۰۲۷۷
ح	۱۰۳۲۳	ع	۲۱۲۳	ع	۲۱۲۳
ط	۸۲۵۶	ع	۱۱۱۱	ع	۱۱۱۱
ظ	۱۰۱۷۳	ع	۵۵۸۰	ع	۵۵۸۰
چ	۲۰۰۱۶	ع	۱۱۰۰	ع	۱۱۰۰
خ	۵۰۰	ع	۸۰۰۰	ع	۸۰۰۰
ح	۵۱۰۰	ع	۲۴۵۵	ع	۲۴۵۵
ط	۱۰۳۲۳	ع	۱۳۰۰	ع	۱۳۰۰
ظ	۸۲۵۶	ع	۵۳۳۳	ع	۵۳۳۳
چ	۱۰۱۷۳	ع	۱۵۲۰۰	ع	۱۵۲۰۰
خ	۲۰۰۱۶	ع	۲۰۱۰۰	ع	۲۰۱۰۰
ح	۵۰۰	ع	۵۵۱	ع	۵۵۱
ط	۵۱۵	ع	۲۶۳۳	ع	۲۶۳۳
ظ	۲۱۳۲	ع	۵۱۵	ع	۵۱۵

رفیق دانش آموز سفید ۲۰۰ ریال
حاصل از دستفروشی
رفیق پیکار ۱۰۰۰
خوانسار ۳۰۰۰
گرگان ۳۰۰۰
پ ۵۸۳ عدد
رفیق کشاورز ۵۰۰۰
رفقای صحنه ۶۰۰۰
رفیق محسن ۲۵۰۰
ج - الف ۵۰۰۰
رفیق کارگر کا ۱۰۰۰ ریال
رفقای کرج ۱۰۶۴
۱۰۹۹
۵۰۲۸۲
۱۰۰۱
۲۲۰۰
۱۰۱۳۲
۲۸۲۵
۲۰۰۰
۱۱۰۰
۱۱۱۱
۶۱۱
۱۶۲۶
۱۶۱۳
۱۰۱۱
۲۱۲۰
رفیق سرباز ۱۰۰۰ ریال
دبیرستان
مسوود کیهان
رفیق مینو ۲۰۰۰
مدرسه راهنمایی پایا ۳۰۰۰
رفیق همافر دزفول ۱۰۰۰۰
پ سلماس ۵۰۰
رفیق سرباز ۱۵۰۰
دبیرستان مهر ایران ۱۳۰۰ کاوه ۳۳۲۳
جنگزدگان ۵۵۰۰
دبیرستان کاخ ۳۵۰۰
رفیق مادر ۵۶۳۲
دبیرستان آزاد ۱۷۰۰
بیرون ۱۲۰
رفقای ارمنی ۵۰۰۰۰
ازدواجشان را فرستاده اند

امانت شمارسید
رفیق اکبر
رفیق (شهر) ۲۷۷۲
و ۲۳۱
رفقای کرج (۱۳ و ۲)
م - ۱۲۵ (کوپین)
ن ۰۰۲ (کوپین)
رفقای زنجان
ج ۱۲۲۰
ح ۱۲۴۰
د ۱۶۶۰
م ۱۸۸۰
ک ۱۹۹۰
رفقای طالش
رفیق کارگر
آترا ۱۵۰۰
رفیق طالب ۱۰۰۰
رفقای قزوین
ع ۲۱۲۳
الف ۸۴۵
ف ۷۶۷
ت ۱۱۲۳
رفقای کارگر ۲۵۰۰۰
رفقای سمنان
ه - ر ۱۰۰۰
پ - ه ۱۰۰۰
رفیق مادر ۲۰۰۰
همتی ۲۰۰۰
محلل ۴۰۰۰
رفقای آمل
ن ۲۰۶۶
رفقای بابل
ع ۳۵۰
بدرام ۳۵۰
رفقای گرگان
۵۰۰۰
رفقای قاسم شهر
م ۱۰۱۰۴
ز ۳۳۲۲
بدون کد
۱۰۰۴۷
۵۱۲۳
۱۰۲۲۲
۲۲۰۰
۲۰۰۰
۲۶۰۰
۲۴۰۰
۷۱۱۱
رفقای ساری
رفیق مسد
۱۰۰۰۰
س ۴۱۰۱
رفیق مادران ۱۰۰۰
ج ۱۳۷۸
رفیق د ۱۰۰۰
رفیق ح ۱۰۰۰
ر ۱۱۲۵
ص ۲۲۲۲
ش ۱۱۱۱
رفقای پیشکام ۴۰۰

پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک

بقیه از صفحه ۶

دموکراسی پرولتاری یعنی تمام امکانات در اختیار پرولتاریا و متحدانش است. دموکراسی پرولتاری به معنای دموکراسی برای کارگران و زحمتکشان و سرکوب و اعمال قهرودیکتاتور بر سرمایه داران و زمینداران، مفتخواران و چپاولگران است. نمونه‌های بارز از دموکراسی پرولتاری را میتوان مثال زد. پس از انقلاب کبیر روسیه و بدست گیری قدرت توسط پرولتاریای فهرمان این کشور و یا حتی در مقاطع کوتاهی از برقراری قدرت دوگانه و اعمال قدرت شوراها و کارگران نمونه‌های بارز از دموکراسی پرولتاری است. مثلاً در سال ۱۹۰۵ بر اثر قدرت گیری شوراها و کارگران در روسیه تا حدی که چگونه نطفه‌های دموکراسی پرولتاری بسته می‌شود. در شرایط قدرت گیری شوراها کارگران چایخانه در شهر ایوانو نووسک - دیگر هیچ چیز باقی نمانده بود و اجاره در چایخانه بیجا برسانید. مثلاً شورا اجاره چایخانه را متوقف کرد و اجاره را متوقف کرد. صورتیکه هر آنچه میخواست آزادانه چای می نمود. مثلاً تبلیغات سوسیال دموکرات ها بدون هیچ کنترل انجام می‌شد. شورا آزادانه از اماکن عمومی محلی استفاده میکرد. بدون آنکه برای برگزاری جلسات و میتینگهای خود از کسی اجازت بخواهد. شورا خدمات مربوط به محافظت کارخانه‌ها و اموال عمومی شهر را مستقل از سازمان میداد. این حقوق توسط توسل به زور به دست آمده بود. هیچ چیز هیچ کس نمی توانست طبقه کارگر را از استفاده از آن محروم سازد. شورا گزارش کار ملی از تمامی تصمیمات و اقدامات خود را به مجمع عمومی کارگران ارائه میداد. (نقل به معنی از - شوراها در روسیه - آندره نین)

فقط دموکراسی پرولتاری است که آزادیهای اجتماعی، آزادی مطبوعات آزادی انتخابات، آزادی بیان و... را به معنای واقعی و برای تمام خلق تا مین می نماید. بقول لنین "دموکراسی پرولتاری یک میلیون بار دموکراتیک تر از دموکراسی بورژوازی است" (لنین - انقلاب پرولتاری و کارگوشکی مرشد)

در اینجا بطور مشخص ارتباط دیکتاتور موجود بین دموکراسی و دیکتاتور طبقه مسلط و جدا نشدنی نا پذیری آنان از یکدیگر روشن میگردد. دموکراسی بورژوازی که همانا دموکراسی سرمایه داران و زمینداران است معنای بیجا اعمال دیکتاتور طبقه را بر پرولتاریا یعنی دیکتاتور یک اقلیت بسیار معدود جامعه را اکثریت آن ندارد. همچنان که دیکتاتور پرولتاریا که همان دموکراسی پرولتاری است - در عین اعمال قهر و سرکوب بر بورژوازی - یعنی اقلیت چپا و لنگر جامعه به برقرار نمودن عمیق ترین و گسترده ترین آزادیها برای خلق - یعنی اکثریت مطلق جامعه - میبپردازد.



خمینی چه گفت خمینی چه کرد؟ (۵)

از دانشگاه «ناجی مملکت» تا دانشجوی «مزدوراجانب»

یکی از مسائلی که آیت الله خمینی در مورد آن حرفهای بسیار زد و اما پس از زبیه قدرت برخلاف تمام گفته‌ها پیش عمل نمود مسأله دانشگاههاست. دانشگاهها در دوره رژیم صنفورپهلوی همواره - یکی از سنگرهای استوار مبارزه بود، - دانشجویان انقلابی همواره در سازمان دهی و شکل دادن حرکات مبارزان نقش داشتند. دانشجویان انقلابی پس از کودتای آمریکا شش سال ۳۲ در اسیر و سرکوب با سنگباران ماسین شیکون گمبیرای شادین به شاه آمده بودند فعل خونینی در مبارزات دانشجویی کشودند که در پی خودکشتار خونین ۱۶ ذر را داشت. شرکت وسیع و مبارزات نوده‌ها بخصوص در سال های ۴۲-۳۹، استقبال وسیع دانشجویان از حرکت خلقی کمک به زلزله زگان - پوشین زهر، سازماندهی و ارتقاء مبارزات توده‌ها در جریان اعتصابات شرکت واحد... همه نمونه‌هایی از تداوم مبارزات در تمام دورانی است. پهلوی توسط دانشجویان است.

یکی از نتایج درخشان رستاخیز سیا هکل و حرکت انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، دگرگونسازی جو مبارزاتی دانشگاهها و ارتقاء کیفی مبارزات دانشجویان بود. تخت تا شیر این حرکت انقلابی مبارزات دانشجویان وسعت و بنا دی نوین یا فیت بطوریکه حتی در سالهای ۵۴ - ۵۵ نیز عموماً "نظرات دانشجویان در محلات خلقی تداوم مییافت."

شاه که دانشگاهها را نمیتوان یکی از کانونهای مبارزه و "خطر" بدرستی تشخیص داده بود از هیچگونه کشتار و سرکوبی خودداری نکرد. گارد دانشگاهها این ارگان سرکوب دانشجویان در موارد بسیار زیاد دانشجویان را مضروب و مجروح و اسیر نمود و بسیاری از انقلابیون را شهید کرد. چه بسیار اوقات که خباثنها در دانشگاهها از خون و بی‌توم شکسته پوشیده می‌گشت. در نهایت نیز شاه به انحلال ترم و بستن دانشگاهها دست می زد و حیل‌های مذبحانهای چون باز کردن مرحله‌ای دانشگاهها (یعنی ابتدائاً سال اول و بعد سال دوم...) را بکار می‌نست.

پس از او و جکیری مبارزات توده‌ها دانشجویان فعلاً لانه در سازماندهی و ارتقاء این مبارزات شرکت کردند. حرکت وسیع دانشجویان انقلابی بسوی کارخانجات یکی از مهمترین عوامل در بردن آنها به درون طبقه کارگر و رشد مبارزات کارگران ایران بود. از سوی دیگر استادان انقلابی نیز دوشادوش دانشجویان، مبارز و زیرمدر رژیم را به پیش می بردند. محسن انقلابی استادی که به شهادت استاد مبارزات الهی و شکل گیری نظرات وسیع پس از آن انجام یکی از نمونه‌های همکاری استادان انقلابی با جنبش توده‌ها بود.

گفتا پیش انقلابی دانشگاهها در مقطع قبل از قیام، دانشگاهها را سنگرهای مبارزات توده‌ها بدل ساخت و بتقسیم مهمی در شکل گیری فیم و سرتکونی رژیم

پهلوی ایفا نمود. دانشجویان انقلابی در قیام مبرشکوه خلق نیز نقش فعال و موثری در تسخیر دکانها، سنگربندی - محلات، آموزش توده‌ها و ایجاد شوراها و تشکلهای خلقی ایفا نمودند.

دانشجویان از اقامت روضه فکسر خلفند که همواره تحت فشار خفقان و سرکوب قرار داشتند اندویدند و در مبارزاتشان - عنصر قوی زد مکرر تسم انقلابی وجود دارد. از سوی دیگر سیستم ارتجاعی آموزش دانشگاهها، سیستمی که نه در خدمت توده‌ها بلکه در خدمت سرمایه داران و مستکمران قرار داشته از عواملی بود که دانشجویان را به مبارزه ای بیگسجهت تا بودی آن و جا بگزینی اش با سیستمی خلقی و امید داشت عدم وجود هرگونه آزادی مبارزات صنفی و سیاسی، سرکوب تمامی فعالیتها و نهاد های دانشجویی انگیزه های قوی مبارزات دانشجویی را تشکیل میداد. از سوی دیگر دانشجویان انقلابی همواره از نزدیک با زندگی فلاکت یا توده‌ها، با فقر عظیم خلق آشنا بوده و تماس داشتند. و از اینرو همواره مبارزات دانشجویی با خواسته‌ها و امال توده‌ها پیوندی نزدیکی داشته است.

آیت الله خمینی بخوبی از مبارزات دانشجویان و از خواسته‌هایشان اطلاع داشت و آیت الله خمینی بدرستی می دانست که چگونه دانشجویان جان برکف مبارزات خود را تا زمانی تداوم بخشیدند که تمام می مدعیان مبارزه، رهبران آیدم و ناجیان دروغین خلق یا درکنجخانه‌ها و حجره‌های خود حزیده بودند و در خارج از کشور بسر میبردند.

پهلوی و خمینی در ابتدا به دانشجویان نوید پیشرده فرهنگ و برقراری سیستمی از آموزش را میدادند که حداقل در آن دانشجویان آزادانه تحصیل مجبوره خارج از کشور نتوانند. خمینی میگفت "فرهنگ ما نیز یک فرهنگ عقب نگه‌داشته است، بطوری که جوانان برای ادامه تحصیل مجبوره خروج ز کشورند" (دوشنبه اول - مرداد ۵۸) و دانشجویان را "ناجی مملکت و عزیز خود مینامید" آنها که مملکت ما را نجات دادند همین توده جمعیت است همین دانشگاههای عزیزند، همین طلاب علوم دینی عزیزند... (شنبه ۴ شهریور ۵۸). آیت الله خمینی بصورتی از محلات رژیم منحوس پهلوی به دانشگاهها و کشتار دانشجویان محبت میکرد که گویا معتقد است این کارها خطا بوده و نباید تکرار شود. روز ۱۳ آبان روز هجوم رژیم منحوس به دانشگاه و کشتار دسته جمعی دانشجویان عزیز ما است... رژیم مخالف با تمام مظالم هر تمدن و پیشرفت کشور، یکروزه مدرسه فیضیه و مدارس علوم اسلامی در سراسر ایران حمله ور می‌شد و یکروزه به دانشگاهها شهران و دانشگاههای سراسر ایران، این مراکز دانش و دانشمندان... (پنجمه ۱۳ آبان ۵۸) خمینی با این سخنان سعی میکرد و نمود که با "موافق" مظالم هر تمدن و پیشرفت کشور - است و در این راه نیز سراسر دانشگاهها این

مرکز دانش و دانشمندان اهمیت و الا قائل است. اما بهر رود دانشجویان آگاه و انقلابی افرادی نبودند که بتوان آنها را با حرفهای فریبنده فریفت و گویا خمینی نیز اینرا درک کرده بود (دانشجویان از پس از قیام به تداوم مبارزات انقلابی خود برداشتند. تورهایی خود را تشکیل دادند، دانشگاهها را به کانون تشو آگاهی تبدیل ساختند، به میان توده‌ها رفتند و... آیت الله خمینی و سران رژیم که شاه بودند چگونه در دانشگاهها به سر برترین صورت یا یگانه خود را از دست داده‌اند و میدیدند که دانشگاه نقش خود را بعنوان سنگر مبارزات و کانون تشو آگاهی و آزادی حفظ کرده‌اند، رایشان از دانشگاهها و دانشجویان سرگشت. آیت الله خمینی نیز چون سایر رهبران "دیکتاتور بورژوازی تشو تا زمانی دانشجویان را "عزیز" می دانست که گمان میبرد اکثریت آنان با حق رژیم و سیاستهای ضد خلقی آید. اما پس از مدت کوتاهی "دانشجویان عزیز" به دست نشانگان و خدمتگزاران اجانب بدل شده و ناجیان مملکت" به "خائنین به ملت" تغییر یافتند. خمینی میگوید "ما که میگوئیم با بد زبانی دشمنان میگردیم میخواهیم بگوئیم که دانشگاهها ما باید در اختیار جانی که ملت دارند در خدمت ملت یا توده در خدمت اجانب... این جوانان که بواسطه ما ده لوی خود را فیت تربیت های باطل یعنی از مملعین را قبول کردند و حالا که ما میخواهیم یک دانشگاه مستقل درست کنیم و تغییر بنیادی بدیم... - " (انقلاب اسلامی ۱۴ اردیبهشت ۵۹) اینک که دانشجویان با افشای چهره کزیه و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی برداشتند، آیت الله خمینی با آنها همچون سایر نیروهای انقلابی به مقابله برخاسته است و دانشگاهها، این سنگرهای آگاهی و آزادی را مرکز فساد مینامد " آنها شیکه تختا فند با اینکه دانشگاهها درست شود، - دانشگاهها و فرهنگ، فرهنگ صحیح شود، اسلامی بشود اینها تنها هستند که دردمان آن - خارجیتها بزرگ شدند و خوف این را دارند که مبارزات یک دانشگاه اسلامی شود و ما نمیتوانیم دیگر زدی بکنیم و ما نمی توانیم دیگر عس و عشرت بکنیم. دانشگاههای دیگر کف اسلامی بشود و تشو کزیه د نیا شد " (انقلاب اسلامی ۱۱ تیر ۵۹) خمینی که مزدورانی چون قطب زاده و جمران را - سردار اسلام مینامد و بر تمام خارج پروردگان صحنه مینهد و آنان را ناجی ملت قلمداد میکند دانشجویان انقلابی را که لحظه ای سنگرمبارزه را نکرده اند پیرو زده دانشمندان خارجیتها، ماسد و عیاش مینامد و با لاجیره هم طبق معمول خودش کار را به جانی میرساند که علمت لعلل تمام میصنعتهای جهانی را دانشگاهها اعلام میکند خمینی گفت "وقتی ما به یک نظروسینی به همه اینها و به همه دانشگاههایی که در دنیا هست بیان داریم، تمام این خمینیها که برای این شربش آمده است ریشه اش از

فرور، شکنجه، زندان به نفع غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، به نفع زحمتکشان

رژیم جمهوری اسلامی به خادمین خود هم رحم نمی کند

روزشبه ۲۷ تیرماه از سوی فرمان - داری تهران اسامی کاندیداهای "واحدشراپیت" وبعبارت دیگر موردتائید جناحهای مختلف حزب جمهوری اسلامی اعلام شد که در میان این اسامی ۳ کاندید از حزب توده و دو کاندید از اکثریت چشم می خورد. اما با این مسئله شاره شده بود که: "احتمال دارد چند نفر از کاندیدها ها شبکه صلاحیت آنها در حال حاضر ضابطه شده است، بدلیل رسیدن مدارک تازه - حذف شود..." کیهان نشبه ۲۷ خرداد و هنوز یک روز از اعلام این خبر نگذشته بود که خبر حذف این غذا انقلابیون تازه مسلطان شده و میزگوییان حاکمیت و طرفداران سینه چاک حزب جمهوری اسلامی نیز اعلام شد اما نه از سوی فرمانداری - بلکه از سوی شورای نگهبان. این اولین بار نیست که حاکمیت ارتجاعی و حاکمیت طلب، خوش خدمتی های آستان نبوسان خود را چنین پاداش می دهد. هفته گذشته نیز مسئول حزب توده در خرم آباد نسبت حزب الله ترور شد و سه هفته پیش سیزده نفر اکثریتی در

لاهیجان اعدام شدند و بارها در کردستان - شاد بوده ایم که اکثریتی های نادم و پشیمان با زدا شدت و اعدام شده اند... اما این نوکران بی چیره و مواجب، علیرغم بی مهربانی حاکمیت، همچنان به خوش خدمتی در استان تجارکتی ادامه میدهند و اخیراً "بدنیا ل سرکوبها، ترور ها، کشتارها، اعدامهای بدون محاکمه و شکنجه زندانها" سیاسی، با موضع گیری تا شیدا میزوحتی همکاری مستقیم و غیر مستقیم در شانهای و معرفی انقلابیون سعی کردند متیازی ارتحاکمیت بگیرند و آن اینکه نماینده ای به مجلس کسبیل دارند، اما حاکمیت ارتجاعی ترا زانت که این بیچارگان تصور می کنند، انسان هیچگاه نمی خواهد از ترا ریخند بگیرند که بر سر همیا لکی هایشان در صحرای عراق و... چه آمد، اگر در این کشورها بورژوازی حاکم آنان را به زباله دان تاریخ سپرد، در کشور ما شده های میلیونی خلق آنان را به همراه حاکمیت موردتائید شان به کورستان خواهد سپرد.

گزارشی از مقابل زندان دیزل آباد کرمانشاه

بقیه از صفحه ۲

شون سردا دوه سینه کوفت و گفت: ای وای چه بگویم، جرم بچه ام خیلی سنگین است، خیلی خیلی سنگین است، جرمش اینست که هفت روز هفت روز برای خمینی روزه گرفت، بلکه جرمش خیلی سنگین است، زنی دیگر گفت حالا حالا باید تقاضای پس بدیم، دو سال گفتیم مرگ بر شاه، حالا بدقیما ی پس بدیم، گفتیم بچه ترا کجا گرفتند؟ گفت دخترم را شب در رختخواب گرفتند، خانم امرا زیرو رو کردند، هیچ چیز پیدا نکردند هیچ چیز، آخر هم بخاطر اینکه دست خالی ترافسه با شندیک قرآن پارچه مال سالهای پیش را که با روزنامه رستا خیز جلوسش کرده بودم بردند و گفتند چرا با روزنامه رستا خیز جلوس کرده ای؟ آخر با آن سال سالها پیش بود!!!

صدای آه و ناله و ناسازی مردم هم چنان بلند بود، ما موری جلو آمد و گفت: برای زندانیان ما میوه تیارید، از امروز دیگر میوه قبول نمی کنیم، در خود زندان میوه فروشی باز شده است، بپول بدهید تا به بچه هایتان میوه بدهیم. صدای اعتراض مردم بلند شد، زنی به سروصورت خود میزد و می گفت: ای آقا صد تومان از همسا به قرض کرده ام برای بچه ام میوه خریده ام، دیگر هیچ پولی ندارم، این میوه ها را کجا رکنم، بپول از کجا بیارم، یک ریویشتر از همه اصرار داشت که باید بپول بدهند و به هیچ وجه رضایت نمیداد که میوه های آورده شده را قبول کنند، فریاد زدم این مرتیکه خودش برای میوه فروشی زندان سرمایه گذاری کرده است، میترسد و سوس کم شود! مردها و زنهای کسی که هر یک عزیز بودند این مزدوران داشتند تاجیب های پارچه پارچه شان به دنبال پول میگشتند تا شاید پولی پیدا کنند و بدهند تا به بچه شان میوه برسد. پیرمردی که نمی توانست راه برود یا پشت خم شده در جیبهایش دنبال پول میگشت تا هائی و ریالی را بیال پول بیسدا میکرد و رو بیهم میگذاشت تا به زندانبانان بدهد.

سراجم برای ملاقات به داخل زندان رفتیم، زندانبانها پشت شیشه بودند و بسا گوشه تلفن با ما حرف میزدند، زن های حزب اللهی پشت ملاقاتیها گوش می ایستند تا ببینند چه میگویند، وضع عمومی زندان بسیار خراب است، وضع بهداشت خیلی بد است، گند و کثافت همه جا را گرفته است، شیش هم جان زندانبان افتاده است، با ساداری ناله غلیظ جاهلی در جواب اینکه اجازه میدهد کرد (د. د. د.) بیارم بی شرمانه میگویند خبر، دیگر تیش از گلوله بدتر است؟! من از زندانبانهای جمهوری اسلامی پرسیدم ستواسم برای دختر موکبل بگیرم، جواب دادند خبر، موکبل با دم کنسی باشد، بچه جمهوری اسلامی ولایت فقه معتقد باشد، کفتم خوب شما تک وکیل معرفی کنید شما من برای دعا بگیرم، مسئولین گفتند: فعلاً صی و کتلی با چنین مشخصاتی وجود ندارد!!!

حمینتی چه گفت؟

بقیه از صفحه ۱۵

داشنگا بوده، ریشهاش از این شخصتهای داشنگا هی سوده... (انقلاب اسلامی ۲۹ آذر ۵۹) رژیم جمهوری اسلامی با سیاستهای ضد خلقی اش فقر، گران، بیکاری را به حد غیر قابل تحمل میرساند، آیت الله خمینی و رژیم با "صدور انقلاب اسلامی خود و با جنگ قدرت با رژیم عراق باعث مصیبت های بسیار و آوارگی بیش از ۲ میلیون نفر می شوند و آنوقت ریشه همه مصیبت های - جانی در داشنگا ههاست، پس حتماً" اگر در سرا بر جهان داشنگا هها تعطیل شوند دیگر "شیطان بزرگ" هم بی خطر می شود و مصیبتی سایر نمی آورد. حمینتی میگوید "شما ۵ سال دیدید که در این حکومت داشنگا هها بود - اما شیدا داشنگا هها بودند و کشور را همان - اما شیدا داشنگا هها و همان داشنگا هسی کتا ندیده دان من ابر قدرتها (همانجا) بدین طریق حمینتی شاه را تطهیر می کند و تمام مصیبتات رژیم پهلوی را به گردن داشنگا هها می اندازد و در عین حال که در زمان بی زبانی میکوبد اکثر چه رژیم جمهوری اسلامی فرار داده های - امیرالینسی را بدمدم می کند، اگر چه سل سلطحات امیرالینسی را به کنور

سرا زبیری کند، اگر چه با کروب و تالیوت و... فرار داد می بندد ولی این داشنگا - هها سنده که ما را به دامن امیرالینسی می کشانند.

بهر صورت رژیم جمهوری اسلامی به رهبری حمینتی تمام می خیلها و ابزارهای شاه در سرکوب دانشجویان انقلابی را به کار گرفت، سعی کرد از ادبها در داشنگاه نا بود سا زد، حیلها با زکردن تدریجی داشنگا هها را بکار بست، سعی کرد دانشجویان را در مقابل یکدیگر قرار دهد... اما رژیم کامیونیزم نیز از فرا ترنها د آیت الله خمینی با تطق خود در نوروز ۵۹ - فتوای یورش به داشنگا هها و کشتن انقلابیون را ما در کرد، و بدین طریق با راهزکشانیهای شاه فراتر گشت... رژیم داشنگا هها را غرق خون ساخت، دانشجویان انقلابی را کشتار کردند و در داشنگا هها را بست به این خیال واهی که بتوانند جلوی رشد مبارزات توده ها و ارتقاء آگاهی آنان را بدمدم می دهند. این خیال واهی که بتوانند از "شر" مبارزات دانشجویان خلاص گردد. حمینتی در رابطه با داشنگا هها شیوه های را - اشخا ذکر داد اما مددا دکه شاه را به تخریب کرده بود، حمینتی و رژیم جمهوری اسلامی شیوه های "شاه هشتا" را پیشه کردند تا مگر "زشر" این مبارز مبارزه، کسه آنان آسرا مرکز فساد میسند خلاصی با بند، غافل از اینکه دانشجویان مبارزات خود را در سنگر جامعه و در میان توده ها تداوم خواهد بخشید.

دموکراتیک بیای خیریم و با ایحاد و تحکیم شورا های انقلابی در کارخانه، مزارع، و خوابگاههای آوارگان به مقابله با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی برخیریم. شعار حرب خاکم با بودای انقلاب، شعار زحمتکشان ادا ما انقلاب، هواداران جگرده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شماره ۶۰/۴/۵

مردم مبارز شیراز! آوارگان قهرمان! برای مبارزه با تشدید سیاست احتیاج و عریک حزب جمهوری اسلامی و حفظ و گسترش دستاوردهای قسام خوسن همن ماه و دفاع از جمهوری

بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان تأمین باید گردد

گزارشی از مبارزات درخشان دانشجویان انقلابی ایرانی مقیم کشورهای دیگر

همزمان با تشدید مبارزات توده‌های مردم علیه رژیم ضدانقلابی و ارتجاعی جمهوری اسلامی و توسل رژیم به ترور و سرکوب و دیکتاتورنوری عربیان علیه خلق، موج مبارزه دانشجویان انقلابی و مترقی ایران در خارج از کشور با عافیت تازه ای یافته است. دانشجویان ایرانی در خارج از کشور همواره از دوران رژیم پناه تا سه امروز نقش فعالی در مبارزه علیه رژیم - های ارتجاعی ایران ایفا کرده اند. افشاگریها و مبارزات آنها در جهت جلب حمایت افکار عمومی جهان و معرفی سازمانهای انقلابی به خلقهای سراسر جهان نقش ارزنده ای ایفا کرده است. اکنون رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با توسل به شیوه های جنایتکارانه تشه فاشیستی، ترور، اعدام های بدون محاکمه و زندانی کردن چندین هزار تن از نیروهای انقلابی، دانشجویان انقلابی و مترقی ایران در خارج از کشور مبارزه خود را علیه رژیم تشدید کرده اند، اقدامات و مبارزات انقلابی دانشجویان جزئی از مبارزه انقلابی خلقهای ایران محسوب شده و مورد تأکید تمام سازمانها و گروههای انقلابیست. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن تأکید و حمایت از دانشجویان انقلابی خارج از کشور، نوبزه هواداران سازمان که همواره نقش ارزنده، مترقی و انقلابی در جنبش دانشجویی ایفا کرده اند از هواداران - سازمان میخواهد که مبارزه خود را علیه رژیم حاکم گسترش دهند، و نوبزه از طریق افشاگریها، افکار عمومی جهان را در جریان رویدادهای ایران قرار دهند، و ماهیت ضدانقلابی و ارتجاعی رژیم را افشا نمایند.

فرانسه

شنبه ۴ ژوئیه (۱۳ تیر) در محل سینما دانسگاه که سالهای متناهی محل تجمع دانشجویان ایرانی برای فعالیت سیاسی بود، فالانژهای مزدور حزب جمهوری اسلامی که حدود ۶۰ نفر بودند پس از اقامه نماز جماعت در محل قوی با جاقو، بزنجیر، بطری، کاسل و جمعی به دانشجویان مبارز حمله ور میشوند (در حالیکه کفن پوشیده بودند). این حمله بدستال اشغال سفارت درباریسی کنترانس مطبوعاتی و مسیگ از طرف کمیته عبدالمطلب شور را همتا کسبی و مسیگ بدعت هواداران سازمان بیکار صورت گرفت. حدود یکساعت ردو جوهره خویش صورت گرفت که مدتها دانشجویان مبارز به مقابل با فالانژها سر محبوسند که فالانژها با باره کردن کفن هائیان با بغراز - مسکندارد و تعدادی از آنها را زندانی - سازمان ستوری مسیگ -

شنبه ۱۱ ژوئیه (۲۰ تیر) در محل سینما زدو جوهره نفسی عالی سینما دانسگاه راست، کمیته همتا همتی دانشجویان مبارز ایرانی درباریسی نظام گردو روز

چهارشنبه ۱۵ ژوئیه (۲۲ تیر) در مقابل سفارت ایران درباریسی احصا عسبی خواهند کرد با ساسیهای مدخلی رژیم جمهوری اسلامی را افسانارند. فالانژها چهارشنبه اطراف سفارت بسیج می‌نویسند که مانع تجمع شود ولی با همکاری کمیته هماهنگی رفقای هواداران مبارز در رأس ساعت نویسه اتوبوسهای توریستی که از قبل تدارک دیده بودند جلوسفارت -

پنجاهه میثوند (ساعت ۱۱ روزنامه های دیواری، بیلگا ردها، آرم سازمان نصب میشود و سایر نیروهای انقلابی نیز شروع بهمین کار میکنند در این موقع نمایندگان انجمنهای دانشجویی بمدت یک ساعت با قضا حاکمیت ایران می‌پردازند.

آلمان

روزشنبه ۱۸ ژوئیه (۲۷ تیر) بتایسه دعوت شورای دانشجویان ایرانی ضد امپریالیست - مدارتجاع در آلمان، برلین غربی (هواداران سازمان و - مجاهدین) نظهراتی در فرانکفورت با شرکت حدود ۸۵۰ - نفر برگزار -

مینما بیند این راهیما فی در اعتراض به کشتار، شکنجه و دستگیریهای وحشیانه اخیر رژیم صورت گرفته است. هواداران ارتش جمهوری خواه ایرلند نیز در این مراسم شرکت داشته اند، در ابتدای برنامه یک دقیقه سکوت اعلام میشود. شعارها تیکه بوسیله نظامیها در کاندگان حمل میشود. "زندانی سیاسی آزاد باید گردد - ترور، شکنجه، زندان تا سودا بدگردد - آمریکا، ارتجاع، دشمنان خلق ما - نه سازش نه تسلیم نبردم با آمریکا - درود بر فدائی، درود بر سرمایه - ساواک، سیا، ارتجاع دشمنان انقلاب - مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای انقلابی -

درو روز انتخابات دوم مرداد نیز بدعت دانشجویان انقلابی ایران میثوند کشور های آمریکا، فرانسه، آلمان، انگلیس ایبالتا و سوئد نظهراتی بعنوان - اعتراض و اقامت انتخابات فرمایشی در مقابل سفارتخانه های ایران در این کشورها صورت گرفت و با پیش اعلامیه ها و قطبنا مه های مشترک با بیان یافت متن قطبنا به این شرح است:

هم میهنان مبارزان! اینک که رژیم ضدانقلابی ایران با انخاد شیوه های سرکوب، اختناق، شکنجه سرکوب، کشتار، بلای مذبحخانه در جهت تثبیت موقعت سرکوب خویش در داینگ که به شیوه سازمانیهای مدخلی شعری کسب کرده چو برای جلب هرگونه آرا دی و حقیر و همراستگ مردم آلمان آغاز کرده است اینک که سازمان زدهای انقلابی تمام نکوهش مدخلیهای مستلمان سمن ارتش مورد دیوبوس و حجاب مرخصین به مسدود خرنده و فرا گرفته است. اینک که سیرس

فرزندان خلق قهرمانان، مجاهدین و فدائیان و سایر نیروهای رزمنده، مردمی آماج گلوله های پاسداران ضدانقلابی قرار گرفته و دسته دسته و حتی به تراز - زمان رژیم پناهنده به امپریالیستها تن به جوخه های اعدام سپرده می‌گردند اینک که این رژیم مدخلی تلاش می‌کنند که در پشت شعارهای توخالی به اصطلاح "سند امپریالیستی" به با زسازی روابط با اقتصاد دیش با امپریالیستها همچون رژیم سابق بپردازد و زحمتکشان میهنان را همچنان در جنگل فقر و گرسنگی، بیکاری و بی خانمانی جنگ و آوارگی، جهل و بیسوادی و در بیک کلام و استستی و استبداد نگه داشته حاکمیتی که مبارزات دمکراتیک خلقهای کرد، ترکمن، ... را با ددمنشی سرکوب می‌کنند به این امید که چند صباحی بیشتر به حکومت سنگین حوش ادامه دهد.

در چنین موقعیتی ارتجاع حاکمیتی دارد با برگزاری انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری آخرین موضع حکومتی را نیز رسماً به تصرف در آورده و به سلطه خود بر شما می‌نهد. شکل قانونی بخشد و یکی از پرده های نمایش اخیر را بازی کند.

در این رهگذر خائنین سازشکار حزب توده، جناح راست اکثریت، گردانندگان شریه امت با تاخیر کامل رژیم ضدانقلابی حاکم سعی دارند جنایات این رژیم را مبارزه با امپریالیسم جلوه دهند، خلق های مبارز و قهرمان میهنان همچنان که نشان داده اند ما مقاومت و مبارزه - دلورا نه خویش این مرتجعین را نیز همچون تمام رژیمهای مدخلی به ریاله - دان تاریخ خواهند ریخت. در چنین شرایطی ما دانشجویان مبارز میثوند ایرانی در خارج از کشور، متشکل در کمیته - ها و شوراهای ضد امپریالیستی، ضد ارتجاع همگام با نیروهای انقلابی ایران، وظیفه خود می‌دانیم که به فضای ماهیت ضدانقلابی همتا حاکمه ایران در زندان افکار عمومی جهان بیان برداخته و با نظا هرات گسترده و سراسری خود در روز - برگزاری انتخابات فرمایشی برده از چهره ارتجاع سرکشم.

تا بود با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و عوام مل داخلیش سرنگون با دارتجاع حاکم بزنده - باد شوراهای انقلابی تنگ بر سازشکاران و خائسین بوده ای، اکثریتی امتی و سه جانی پیروز با دمبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران - کمیته ها و شوراهای ضد امپریالیستی - مدارتجاع دانشجویان ایرانی در آمریکا فرانسه - آلمان - انگلیس - سوئد - اسپانیا - (هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران سازمان مجاهدین خلق ایران)

نه سازش نه تسلیم نبردم با آمریکا



درگیری مردم با پاسداران وفالانزهادر بیبالان

چند روز قبل هنگامی که بستگان یک مهاجرتی که بدست جلاخان رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده بود، جدا و برای دفن به گورستان بیبالان - از روستاهای اطراف رودسر - میبردند، پاسداران - سرما به گناه هیچ کاری در قبال - انقلابیون شرم و آبرو ندارند، و حتی از اجساد آنها نیز میترسند، میخوانند مانع دفن جدا و در گورستان شوند. اهالی روستا هر کدام سنگی، چوبی... برداشته و برای اعتراض به گورستان میآیند. با آمدن مردم، بین آنها از یک طرف افراد بسیج و پاسداران از طرف دیگر درگیری رخ میدهد، که منجر به کشته شدن یک فالانز - شوهفت نفر نیز مجروح شدند.

خبرهایی از... بقیه از صفحه ۲

شهادت دختر ۶ ساله در مهاباد

مهاباد - در تاریخ ۶/۴/۶۰ یک دختر خردسال بنام لیلخا طی (عساله) در خیابان شیروخورشید بوسیله ماشین پاسداران که با سرعت سرسام آوری در حرکت بود زیر گرفته شده و به شهادت میرسد. چند ساعت بعد از این ماجرا ماشین یکی دیگر از پاسداران (نادری) نماینده فرمانداری در آموزش و پرورش (چند دختر دانش آموز را که با هم در حرکت بودند زیر گرفته کرده) بر اثر این حادثه یکی از دانش آموزان از ناحیه پا زخمی و ۲ نفر دیگر جراحات سطحی برداشتنند. زیر گرفتن مردم از نظر پاسداران سرما به بیگ کار روزمره تبدیل شده است. موقعی که سرکوبگران از شکستن اراده آهسته آهسته خلق عاجز میشوند بوسیله غیرانسانی دیگری - متوسل میشوند و از بچه ۶ ساله تا پیر مرد ۸۰ ساله را زیر گرفته و به شهادت میرسانند.

از روستائیان بی دفاع را دستگیر کرده و با خود بردند. بعد از این جریان جنايتكاران رژیم فاجعه های "قارنا قلاتان" و "بندر قاش" را بشوهای دیگری در اینجا تکرار کردند و ۲۲ نفر از مردم - زحمتکش و بی گناه این دور و ستارایی رحمانه به جوخه های اعدام سپردند.

در این رابطه ۲ کودک خردسال به خاطر جوار آب و وحشت حاکم بر روستا جان خود را از دست دادند.

در همین منطقه دو نفر از دختران - قهرمان کرد که قصد داشتند جنازه یکی از پیشمرگان دموکرات را که (بعد از یک نبرد چند ساعته و کشتن ۸ نفر از مزدوران بشهادت رسیده بود) از صحنه درگیری خارج کنند بدست جنايتكاران رژیم به شهادت میرسانند ولی دختران دیگری در روستا موفق میشوند جنازه پیشمرگ قهرمان را از صحنه درگیری خارج سازند.

پیروزی دمیای وزات دلاوران خلق

جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان در تاریخ ۶۰/۲/۲۵ اعلامیه ای در باره شهادت معلم فدائی محمدرضا قصاب آزاد صادر نموده و همه معلمان را به اتحاد و یکپارچگی علیه رژیم جمهوری اسلامی دعوت نموده است.

بگفته رادیو صدای کردستان ایران طی یک درگیری در دره خان (بانه) بین پیشمرگان حزب دموکرات و پاسداران و ارتشیان ضربات مهلکی به سرکوبگران وارد آمده در این درگیری ۴۰ پاسدار و ارتشی کشته و مفقودی اسلحه و مهمات از رژیم به غنیمت گرفته شد. در این درگیری پیشمرگان توانستند ۲ قبضه ژ-۳ - ۲ قبضه کالبر ۵۰ - یک توپ ۶۰ - ۲ عدد تانک ۳۰ - ۲ عدد توپ مهمات ژ-۴، ۲ عدد سیمرغ، ۲ مدمه کنند، پس از درگیری مزدوران رژیم شهر بانه را به توپ بسته و ۶ نفر از مردم عادی را شهید نمودند.

قتل عام ۲۲ نفر از مردم بی گناه مابین بلاغ و گوی آعاج

شاهیندژ - ۶۰/۴/۱۲ در این روز - نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به روستاهای "مابین بلاغ" و "گوی آعاج" در اطراف شاهیندژ حمله بردند و تعدادی

نامه یکی از هواداران

چه گسائی

هستد امروزی؟

شرکت مرغداری نگین واقع در جاده ساوه بین ایستگاه شاطره و گلستانه و دارای دوازده نفر مرغداری میباشند که روزانه در حدود ۲۰۰ تن تخم مرغ تولید میکنند. در این مؤسسه کارگران با حقوق ناچیزی در حدود ۵۰ تا حداکثر ۶۰ تومان در روز کار میکنند و در بدترین شرایط بهداشتی قرار دارند و بعلت سکونت خانواده کارگران در محل مرغداری، به امراض گوناگونی مبتلا می شوند. رئیس کارخانه "اعتماد دین" قبل از قیام به پاریس رفت و با تحویل مقدار زیادی پول به خمینی، وفاداری خود را به انقلاب در شرف وقوع اعلام کرد و با این ترتیب در شمار حامیان مستضعفان قرار گرفت و وی هم اکنون هرگونه اعتراضی را که از سوی کارگران بخاطر افزایش حقوق و یا تا مین بیمه و بهداشت و درمان و مسکن و غیره صورت میگیرد با اخراج کارگران پاسخ میگوید و در عوض کارگران (افغانی را) تحت پوشش حمایت از مسلمانان افغانی) استخدام مینماید.

در این مرغداری کودکان و نوجوانان ۹-۱۶ ساله بکار مشغولند و از حق بیمه و مزایا محرومند. اعتماد دین (بنابسه گفته که کارگران) علاوه بر این، مرغداری دیگری نیز در یزد دارد.

علاوه و از طریق فروش جای و احتکار لاستیک اتومبیل و سپس فروش آن مصالح هنگفتی بحیب میزند و از تجار و محترکین بزرگ بازار است. اخیراً "اوازسوی" - رجائی سمت سرپرستی سازمان اوقاف منصوب شده است. حال مردم خود قضاوت میکنند که رژیم جمهوری اسلامی چه کسانی را در مملکت مورد قرار میدهد و حامی چه طبقاتی است.

پاره ای از حقوق زندانیان سیاسی که قوانین و مقررات رژیم مقرر داشته است

۱- هیچکس را نمیتوان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون تعیین میکند. در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا "به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدماتی محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات میشود (اصل ۳۲ - قانون اساسی جمهوری اسلامی)

۲- هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شکنجه به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار سوگندی ناقص ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات میشود (اصل ۲۸ - ق ۱ - ج ۱)

۳- اصل بر اذیت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمیشود مگر اینکه جرم او در دادگاه ثابت گردد. (اصل ۳۷ ق ۱ - ج ۱)

۴- در همه دادگاهها طرفین دعوی حق

دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر نتواناتی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. (اصل ۳۵ - ج ۱ - ج ۱)

۵- رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکمه دادگستری صورت میگیرد. نحوه انتخاب شرایط، اختیارات هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی تعیین میکند. (اصل ۱۶۸ - ق ۱ - ج ۱)

۶- هر بازداشتی باید از نظر غذا، بهداشت، محل زیست، مداوا، پوشاک، وسائل مطالعه تا مین با شد و از هر نوع بد رفتاری ممنون باشد (مقررات حداقل زیست برای زندانی)

۷- هر زندانی حق دارد حداقل یکبار در هفته با بستگان خود ملاقات کند (مقررات حداقل)

۸- هر زندانی حق دارد با بستگان خود ملاقات داشته باشد (مقررات حداقل ..)

۹-

کردستان، کردستان پاینده باد عزمت، پیروز باد عزمت

سرزمین فلسطین با شعار آزادی نمی شود

دکتر حایب روز قدس

بین المللی آنها، نزدیک با کشورهای ارتجاعی، منطقه از جمله پاکستان، ابقا، قرار دادهای آسایش با کشورهای سرمایه داری اروپائی و ژاپنی و همچنین کشورهای امریکائی لاتین که وابستگی کامل به امپریالیزم امریکادا رسند، کمکهای همه جانبه به جنبشهای ارتجاعی منطقه از جمله حزب الدعوة عراق، جنبش ارتجاعی افغانستان و جنبش "امل لبنان" و درین از هرگونه کمک به خلق فلسطین تحت پوشش جنگ ارتجاعی کنونی بسا عراق و نبود امکانات مادی و غیره و از سوی دیگر سیاستهای داخلی مبتنی بر سرکوب و حشیا نه انقلابیون جان سرکوب و کشتار و وحشیا نه انقلابیون جان سرکوب کارگران و زحمتکشان و برقراری دیکتاتوری شبه فاشیستی که هرگونه اعتراضی را با گلوله یا خنک مدهد و ... آنچنان ما هیت مژورانه رژیم را که کوس مبارزه با امپریالیستش گوش فلک را کر کرده بنمایش گزارده که تنها جنبشهای مرتجع منطقه که تحت پوشش کمکهای مالی و تسلیحاتی رژیم یورپنده ایران آمدند، این حرکت جنبشهای انقلابی در سطح جهان (عدم پذیرش دعوت ایران) بسا نگر این واقعیت است که دیگر شعار رهسای پوتالی و بی محتوای رژیم نقلابیون فریسا را نه خود را از دست داده است. اینک پیروزی خلق قهرمان ایران دو شاخه خلق فلسطین و سایر خلفهای جهان مبارزه ای تا پای جان را می طلبد که نه تنها اسرائیل بلکه امپریالیزم جهانی و کلیه پایکهای داخلی اش را به گورستان تاریخ سپارد.

امساں رژیم جمهوری اسلامی علی رغم تبلیغات وسیع پیرامون روز قدس، بسا ورنکستگی بیشتری ازین روز را بر گزار کرد. درست از همان هنگام که چهارمین هواپیمای حامل اسلحه و لوازم پدکی ای که از طریق واسطه سوئیسی از اسرائیل خریداری شده بود سقوط کرد و پرده های تزویروریا دریده شد، دستکهای تبلیغاتی رژیم پیرامون آزادی فلسطین داد سخن دادند، اما یک مقایسه اجالی مراسم امسال و سال گذشته، رسوائی رژیم را به خوبی نشان میدهد.

در سال گذشته از آنجا که هنوز چهاره فریسا را نه جمهوری اسلامی در زیر نقاب با صلاح "مبارزه ضد امپریالیستی" پنهان بود، نمایندگان جنبشهای رهائی بخش سرارجان و همچنین کشورهای مترقی و ضد امپریالیست با حضور خود در این مراسم، همبستگی خویش را با خلق قهرمان فلسطین اعلام داشتند و به دعوت رژیم می که تحت پوشش جنبشهای توسعه ای، سعی میکنند چهره مترقی بسخود بگیرد یا خنک مدهند.

اما امسال، بدنبال سیاستهای ضد خلقی آشکاری که در سیاستهای خارجی و داخلی رژیم حاکم دیدند، با عدم شرکت یکپارچه خود مشت محکمی بر دهان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی کوبیدند.

از سوئی سیاستهای خارجی رژیم که پس از نمایش گروهی تگیری حاسوسان امریکائی و سپس آزادی مفتضانه آن، عقد قراردادهای تسلیحاتی بسا امپریالیستها و صهیونیستها مستقیم و غیر مستقیم (از طریق واسطه ها و دلالتیهای

گزیده های از: اعلامیه های شهرستانها

رفقای هواداران سازمان در کرمانشاه طی اعلامیه ای که تحت عنوان (جنابیت به بیانه روز خوار) در پنجم تیرماه منتشر کرده اند یک نمونه از جنابیت های و حشیا نه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را شرح داده اند. رفقای کرمانشاه در بخشی از اعلامیه خود می نویسند:

مردم مبارزان و آگاه کرمانشاه چند روز پیش با ساداران سرمایه در حوالی خیابان رشیدی دستهای جنایتکار خود را به خون انسان بیگناه دیگری آلودند و گروهیان احمد علی بهرامی را که تازه از جبهه جنگ برگشته بودند تنها به بهانه خوردن چند عدد تخمه و داشتن سگای در لای انگشتان، با گلوله ای که به دهانش شلیک گردیده قتل رسانده و جناحی دیگر به جنابیت بی حد خود افزودند. قاتل که با ساداری بنام جمشید سلیمانی است به پشتگرمی سران حکومتی، هنگام تجمع مردم به دور او و درجه دار مذکور برای اطلاع از ماجرا، وزمانیکه بهرامی دهانش را با زکرده بود تا با نشان دادن آن به مردم و پساداران، ثابت کند که چیزی نخورده است، با شلیک گلوله به درون دهان گشوده اش وی را در خون خود غلتانید و سپس با خوشتردی جسدش را در مقابل چشمان حیرت زده مردم بر داشته بداخل بسک لندرور عبوری میگذازد و از محل حادثه میگریزد.

طبق اطلاع، پساداران حکومتی میخواستند با سرهم کردن داستانهای چون ضد انقلابی بودن و معتاد بودن مقتول، قتل را موجه و قاتل را از مجازات برهانند و هم اکنون نیز پرونده قتل را از دادگستری گرفته و از جریان انداخته و مسکوت گذاشته اند.

قاطعه و با تمام توان خویش به مبارزه علیه سرکوب حزب جمهوری اسلامی برخیزیم

هواداران سازمان در ترکمن صحرا در رابطه با موج سرکوب و ترور رژیم حاکم اعلامیه ای منتشر کرده اند در آن ضمن یادآوری کوتاهی از جنابیت رژیم جمهوری اسلامی از قیام تاکنون بسا اعدام یکی از فرزندان مبارز خلق ترکمن اشاره می کنند و می نویسند:

مردم مبارز ترکمن صحرا ... مجاهد خلق (احمد قلی گورد) که عمر کوتاهش را آگاهانه و با صداقت انقلابی در راه مبارزه با دشمنان زحمتکشان، سرمایه داران و دولت حامی آن گذرانده بود بدست دژخیمان دولت جمهوری اسلامی تیرباران شد و خلق قهرمان ترکمن

حمله به زندان قصر بابل بدنبال اعدام انقلابیون

دوازده سفار از انقلابیون شب پنجم مرداد در زندان قصر بابل بدست دژخیمان جمهوری اسلامی اعدام می شوند. این اعدام همچون دیگر اعدام های گروهی و بدون محاکمه انقلابیون و مبارزین در بسادگاه های رژیم، موج خشم و تنفر مردم را برانگیخت. همان شب، ساعتی پس از اعدام این انقلابیون، زندان قصر بابل از سه طرف مورد حمله تیروهای انقلابی قرار می گیرد. تیراندازی ساعتی با زده شدن تا چهار صبح ادامه داشت و مردم شهر بابل همه از خبر این حمله مطلع شدند اما رادیسواری که همان شب تمام همکاران خود تبدیل به دستگاه دروغ - برداری رژیم شده است از قول پساداران گفت که تیراندازی شب قبیل با خطا تیرس با ساداران بوده است!

صبح همین روز، زندان بابل سیاسی این زندان، بدنبال اعلام خراب اعدام مجاهد شهید محمد رضا سعادت دست بسا اعتراض و نظهرات زده بسوید که توسط پساداران سرکوب شده بود.

فرزند دلیر دیگری در راه رهائی زحمتکشان تقدیم کرد. بیگر خونین این مجاهد خلق که با مسلسل دژخیمان بسا گلوله بسته شده بود با گرفتن ده هزار تومان درازای ده گلوله ای که پساداران ضد انقلابی در تنش نشانده بودند به خانواده اش باز پس داده شد، کاری که برای خلق قهرمان ایران چندان نازکی ندارد چرا که مزدوران شاه معدوم نیز با جنبش بودند.

"ما از مردم ترکمن صحرا می خواهیم که در شرایط اختناق و سرکوب کنونی سندا همراه با نیروهای انقلابی، بیگران به مبارزه با عوامل ضد انقلاب وابسته به حزب جمهوری اسلامی برخیزند تسلیحی و اتحاد شماست که می توان در روز مرگ این خودکامان و قصابان خلق را نزدیکتر گرداند.

مردم مبارز ترکمن صحرا، با تمام توان خویش به مبارزه و مقاومت علیه سرکوب و کشتار انقلابیون و زندان بابل سیاسی برخیزیم تا آزاده و مقاومت خلق در صوف به هم فشرده علیه ضد انقلاب اوج بیشتری یابد.



خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

پیشمرگان فدائی طی عملیاتی در شهر مهاباد تعدادی از مزدوران را کشته و تعدادی را زخمی کردند

پیشمرگان فدائی مجدداً ساعت ۹/۳۰ وارد شهر مهاباد شده و میدان ملاحا مسی را به کنترل خود درآوردند و تا ساعت ۱ به کمین مزدوران نشسته که سرکوبگران - جرات خارج شدن از قرارگاههای خود را نداشتند در این فاصله پیشمرگان شعارهای سازمان را در نقاط مختلف شهر نوشتند و با مردم به گفتگو پرداختند. روحیه مردم فوق العاده عالی و شادمانه از پیشمرگان قهرمان خود استقبال مینمودند این عملیات فقط گوشه‌ای از انتقام خلق و پیشمرگان قهرمان آن از جلادان و مزدوران رژیم است که به رفیقان فدائی شهید سعید سلطانی و دهها رزمنده انقلابی خلق را در خون غلطاند.

۱۷ تیرماه یک دسته از پیشمرگان فدائی وارد شهر مهاباد شده و با استقبال گرم مردم مهاباد از این شهروید و برودند پیشمرگان ساعت ۱۲ شب در چهار راه آزادی به کمین پاسداران و دیگر مزدوران رژیم نشستند در ساعت ۲ یک جیب حامل پاسداران به کمین پیشمرگان فدائی افتاد و مورد حمله برق آسای پیشمرگان قرار گرفت که طبق خبر موشق ۳ نفر از مزدوران کشته و ۳ نفر دیگر شدت زخمی شدند و پیشمرگان بعد از عملیات با لم به پایگاههای خود بازگشتند. قابل توجه است که کمینگاه پیشمرگان در بین سه پایگاه دشمن قرار داشت و سرکوبگران اعلام حکومت نظامی نموده بودند.

روز بعد یعنی پنجشنبه ۱۸ تیرماه

محاصره مدارس در مهاباد

در تاریخ ۶/۴/۶۰ پاسداران سرمایه مدارس مهاباد را به نوبت محاصره و از هر مدرسه یک آلی چهار نفر را بازداشت مینمایند. پاسداران سرمایه ابتدا - مدرسه را هنگامی که در محاصره بود - نفر را دستگیر میکنند، بعداً «هنرستان» دبیرستان کردستان، مدرسه را هنگامی

سلیمان معینی و چند مدرسه دیگر بطور وحشیانه به محاصره پاسداران درمیآید. از این مدارس نیز چند نفر را دستگیر میکنند. قابل توجه است، پیروز نسبی که شاگرد معینی این ماجرا بود میگفت: نمی‌دانم اگر به پاسدارها خبر میدادند که یک گروه ارتش عراق در این مدرسه کمین کرده است چه تعداد را می‌کشد.

بقیه در صفحه ۱۸

گزارشی از جلوزندانان دیزل آباد کرمانشاه

زندانیان های رژیم جمهوری اسلامی بسیار بیش از ظرفیت خود زندانها زندانبندند چندین مکان عمومی مثل استادسوم - های ورزشی، مدارسها و... تبدیل به زندان و بازداشتگاه شده است. جو عمومی زندانها مبتنی بر آزار و وحشت و خفقان است. مزدوران و دروغچان می‌کوشند با اعمال فشار بر فرزندان - مبارز خلق، روحیه مبارزاتی آنها را تضعیف کنند و از این طریق بخیال خود جلو اوچ گیری می‌آیند و از زانوده‌ها را بگیرند. اما این جلوزندانان مرتجع که هرگز از تاریخ درس نمی‌گیرند خیلی زود فرا موش کرده - اند که چگونه توده‌های انقلابی میهنان بعد از اینکه درهای زندان را بروی - فرزندان خود گشودند، مزدوران و جلادان را با رسوائی و فضاحت روانه گورستان تاریخ کردند. فرا موش کرده اند که چگونه تمامی مراکز مستم و خفقان، مراکز ساواک و خانه‌های امن را رژیم سفور پهلوی بزرگ قدم‌های نیرومند توده‌ها لرزید و همان بدروما درها و خانوادها را که در جستجوی فرزندان انقلابی خود در جلوزندانها و بازداشتگاهها جستجو می‌کردند و فشار و توهین و ضرب و شتم و دستگیری مزدوران شاه را تحمل میکردند همه آن مراکز را بدست توانای خود گشودند. این مزدوران و خدمتگزاران امپریالیست نمی‌توانند درک کنند که این خلق قهرمان، این توده‌های انقلابی دیگر به آنها اجازه تکرار ماجراهای گذشته را نمی‌دهند. هر چند تحت فشار قرار گیرند و با پاسداران سرمایه به آنها کنند که ساواکی‌ها می‌کردند. امروز نیز جلوزندانهای شاه‌خانه جمهوری اسلامی محل تجمع خانواده‌هایی است که انقلابیون و مبارزین را پرورده‌اند. گزارشی که در زیر میخوانید زندانها را از مادر است که برای ملاقات عزیز به زندان دیزل آباد کرمانشاه رفته است. او میگوید:

یکشنبه ۲۸ تیرماه برای ملاقات به زندان دیزل آباد رفتم، زندان خارج از شهر است اما نمیدانم در کدام قسمت قرار دارد. پریشان و ناراحت وارد حیاط - زندان شدم اما پس از ورود تمامی غمهای خود را فراموش کردم زیرا صفت بسیار طولانی از خانواده‌های زندانیان تشکیل شده بود، زن و مرد، پیر و جوان، همه لباس کردی به تن داشتند، اگر لباس و کفش و کلاه همه آنها را بر روی هم می‌فروختی با پولش حتی یک وعده غذا هم نمی‌شد خرید. فقر و فلاکت از سر روی این مردم می‌بارید. پیر مردهایی در صف بودند که حتی نمی‌توانستند راه بروند. مردمان از آفتاب داغ بعد از ظهر بزرگ سایبان پنهان برده بودند، پیر مردها نفرین میکردند و زنهای فقش و ناله سرداده بودند، روزی مرگ و نیستی رژیم جمهوری اسلامی را میکردند. به زنی نزدیک شدم، گفتم بچه‌ها را کجا گرفتند؟ گفت شب در رختخواب، گفتم چراش چه بود؟ ناله و

بقیه در صفحه ۱۶

گرامی باد خاطرۀ مجاهد شهید محمد رضا سعادت

لحظات حکومتش علیه رفقا جزئی و بی‌ار او مرتکب شد، و محمد رضا سعادت را به جوخه اعدا سپرد. این اقدام تنها بیش از پیش ما هیت ضد خلقی، جنایتکارانه و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی را بخلق ایران و همه خلقهای سراسر جهان نشان داد بلکه در همان حال نهایت درماندگی، عجز و بی‌بونی رژیم را بنمایش گذارد. - ترور، شکنجه، و اعدام زندانیان آخرین حربه است که رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی بدان دست می‌زنند تا بخیال خام خود با ایجاد محیط رعب و وحشت، خلقی در مبارزات توده‌های مردم وی‌گیری و آشتی ناپذیری سازمانهای انقلابی ایجاد کنند. این خودشان دهنده - و رشکستکی، وی‌اعتباری رژیم جمهوری اسلامی در میان توده‌هاست. اما این اقدامات نه تنها نمیتوانند لحظه‌ای از سقوط اجتناب ناپذیر رژیم جلوگیری کنند بلکه با انعکاس خشم و توان توده‌ها را علیه رژیم حاکم برخواهد تکیخت.

دیر نیست روزی که خلق قهرمان ایران انتقام خون فرزندان انقلابی را از جلادان رژیم جمهوری اسلامی بگیرد. فرزندان انقلابی خلق همیشه در تقاب توده‌ها زنده میمانند.

یادش گرامی باد

یکبار دیگر دست جلادان رژیم جمهوری اسلامی بخون یکی از فرزندان انقلابی و مبارز خلق آلوده شد و محمد رضا سعادت مجاهدی که سالها عمر خود را در راه مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع گذرانده بود، بدست دروغچان رژیم پشهادت رسید. محمد رضا سعادت عضو سازمان مجاهدین خلق ایران که سالها در زندانهای رژیم شاه اسیر بود، یکی از چهره‌های مبارز و مقاوم دهه اخیر محسوب می‌شد. مبارزات و ایستادگی‌های او در زندانهای رژیم مزدور شاه را زندانیان سیاسی رژیم گذشته و خلق ایران بیاد دارند. این مبارزه و مقاومت نمی‌توانست خشم همه مرتجعین از جمله سردمداران رژیم کنونی را که دشمن انقلابیون و نیروهای مترقی هستند، برنیا نگذرد. بنابراین هنوز جندی از آزادی او و قیام قهرمانانه خلقهای ایران نگذشته بود که بنا بدلائل واهی توسط جاسوسان آمریکا دستگیر و با اتهاماتی که حتی یک سند و مدرک برای اثباتش ارائه نشده به اس - زندان محکوم شد. اما رژیم جمهوری اسلامی که اکنون آخرین لحظات حیات تنگی - اش را می‌گذراند، هفته پیش برخلاف تمام موازین بشری، وجهانی، میهنان شیوه‌ای متوسل شد که رژیم شاه در آخرین

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد